

الهیات تطبیقی (علمی پژوهشی)

سال پنجم، شماره یازدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۳

ص ۱۱۵-۱۳۶

نقش و جایگاه ملائکه تدبیرگر در عهدین

سید حسام الدین حسینی *

چکیده

ملائکه بخش قابل توجهی از مباحث عهدین را به خود اختصاص داده و از آنجا که یکی از مبانی اعتقادی ادیان الهی اعتقاد به ملائکه است، به تصویرکشیدن جایگاه و صفات و خصوصیات ملائکه می تواند بیانگر نوع نگرش و جهان بینی و میزان قوت مبانی اعتقادی پیروان عهدین و توجیه گر تفکر و اندیشه آنان باشد زیرا این موضوع به مسائلی چون: توحید افعالی، توحید ذاتی و صفاتی و حتی توحید در عبودیت، چگونگی ثبت اعمال و رسیدگی به آنها در برزخ و قیامت و ایمان به جهان غیب و چگونگی ارتباط با آن عالم و چگونگی مدیریت جهان توسط خداوند و تعریف دستگاه پر عظمت سلطنت الهی و ربوبی و چگونگی تقسیم ارزاق خلق و پاداش و مجازات آنها و... مربوط می شود که بیانگر و معرف جایگاه هر دین نسبت به سایر ادیان می باشد.

واژه‌های کلیدی

تدبیرگر، عهدین، ملائکه.

ویژگی دارند که در بسیاری از کتب مقدس دیگر دیده

نمی شوند: یکی اینکه نوشته‌های متنوع این دو مجموعه را به

نویسندگان زیادی نسبت داده‌اند؛ دوم این که این دو مجموعه

در طی مدت زمانی طولانی نوشته شده‌اند؛ برای مثال می گویند

عهد قدیم در طی قرن‌ها و عهد جدید در طی حدود یک قرن

نوشته شده‌اند. از عهد قدیم دو نسخه مهم قدیمی در دسترس

است: یکی به زبان اصلی، یعنی عبری، و دیگری به زبان

مقدمه

عهدین نام کتاب مقدس مسیحی است که اشاره به دو عهد و

پیمانی دارد که خداوند از پیروان این دو آیین گرفته است. در

عهد نخست یا قدیم خداوند از امت یهود پیمان گرفت تا بر

شریعت خداوند پایدار باشند که از آن به ده فرمان نیز تعبیر

می شود (سلیمانی، عبدالرحیم، ۱۳۷۸: ۳۳). این بخش‌ها دو

یونانی، که به ترجمه «سبعینیه» معروف است. گفته می‌شود که در قرن سوم ق م، عده‌ای از یهودیان، به دستور بطلمیوس فیلاذلفوس، حاکم مصر، مأموریت یافتند که کتاب عهد قدیم را به یونانی ترجمه کنند. از آنجا که تعداد این افراد بیش از هفتاد نفر بود، این ترجمه به «سبعینیه» معروف شد. تفاوت این دو نسخه در این است که برخی از کتاب‌های نسخه یونانی در نسخه عبری وجود ندارند. افزون بر این برخی از کتاب‌ها در نسخه یونانی مفصل‌ترند (سلیمانی، عبدالرحیم، ۱۳۷۸: ۱-۲) از میان هزاران نسخه قدیمی که شامل قسمتی یا همه عهد قدیم و جدید است، چهار نسخه از همه قدیمی‌تر و کامل‌تر است: ۱- نسخه واتیکانیه: که احتمالاً نسبت به سایر نسخه‌ها قدمت بیشتری دارد و کارشناسان با توجه به قراین موجود، مانند سبک کتابت، علائم نگارش، فقدان تصاویر و تزئینات و غیره تاریخ نگارش آن را به حدود ۳۲۵-۳۵۰ میلادی رسانده‌اند (الدر، ۱۳۷۵: ۱۰۳) این نسخه شامل کل عهد قدیم و قسمت بزرگی از عهد جدید می‌باشد (الغفالی، بی‌تا، ج ۲: ۲۵) ۲- نسخه سینائی: این نسخه دومین نسخه مشهور است و علت نامگذاری آن این است که در کوه سینا بدست آمده است و اکنون در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود (الدر، همان) ۳- نسخه اسکندریه: این نسخه در اسکندریه یافت شده و اکنون در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود (حیب، بی‌تا: ۱۰۹) ۴- نسخه افرایمیه: که تاریخ نگارش آن به قرن پنجم میلادی می‌رسد و نسخه دوم کتابی است که قبلاً وجود داشته است (همان) سنت یهودی می‌گوید که عهد قدیم از ۱۳۰۰ یا ۱۴۰۰ سال پیش از میلاد مسیح (زمان حضرت موسی) تا سال ۴۰۰ پیش از میلاد به نگارش در آمده است (بطرس، بی‌تا: ۹۷۱) در پیمان کهن، نجات از طریق قانون و شریعت و وعده و وعید به دست می‌آید، ولی در پیمان نو که توسط خدای متجلی یعنی عیسی مسیح علیه السلام بوده، نجات از طریق ایمان و محبت حاصل می‌شود. بنابراین مسیحیان به دو دوره و عصر قائلند: ۱- دوره عهد قدیم ۲- دوره عهد جدید آنها متناظر با این

تقسیم، کتاب‌های مربوط به دوره دوم را عهد جدید می‌خوانند و هر دو قسمت را مقدس و معتبر می‌شمارند. بنابراین نامگذاری به عهد قدیم و جدید مربوط به مسیحیت است و میلتیوس (Melitius)، اسقف ساردس، در سال ۸۰ میلادی برای نخستین بار واژه عهد قدیم را و ترتولیان (Tertulian) در سال ۲۰۰ میلادی برای نخستین بار واژه عهد جدید را برای این کتابها به کار بردند (یوسف القس، ۱۹۹۳: ۳۲) بنا به نقلی، اصطلاح عهد قدیم و جدید را اولین بار "پولس" مطرح ساخته است. در زبان فارسی و عربی، عنوان عهدین نیز برای این کتاب به کار می‌رود. عنوان مزبور، به این اعتقاد مسیحیان اشاره دارد که خدا دو عهد و پیمان با انسان بسته است، یکی عهد قدیم که در آن خدا از انسان پیمان گرفته است که بر شریعت الهی گردن نهد و آن را انجام دهد. این عهد و پیمان که نماد آن ختنه کردن است ابتدا با حضرت ابراهیم علیه السلام بسته شده و سپس در زمان حضرت موسی علیه السلام تجدید و تحکیم گردیده است (سلیمانی، همان) با ظهور حضرت عیسی علیه السلام دوران عهد و پیمان مزبور پایان یافته و خدا عهد دیگری با انسان بسته است. این عهد جدید، پیمان بر سر خدا و عیسی مسیح علیه السلام است (همان: ۲۰). عهد قدیم دو نسخه دارد یکی یونانی و دیگری عبری که اولی مشتمل بر ۴۶ نوشته و دومی مشتمل بر ۳۹ نوشته است. و یهودیان و پروتستان‌های مسیحی نسخه دوم و کاتولیک و ارتدوکس نسخه اول را قبول دارند. قسمت اول - عهد قدیم - با دو حرف OT مخفف Old Testament به معنای عهد قدیم و قسمت دوم - عهد جدید - با دو حرف NT مخفف New Testament به معنای عهد جدید مشخص می‌شوند (همان) مسیحیان نگارش کتب عهد قدیم را به پیغمبران یهودی از دوران حضرت موسی (ع) تا زمان حضرت عیسی (ع) نسبت داده‌اند. عهد جدیدی که مسیحیان معروف جهان آن را باور دارند، دارای بیست و هفت کتاب یا نامه مختصر است و مسیحیان نگارش قسمتی از آنها را به شاگردان

عوامل انسانی خداوند^۱ به کار می‌رود (کتاب حجی نبی ۱: ۳. ملاکی نبی ۲: ۷) برخی موارد فرشتگان، الوهیم (آلهه) (معمولاً خدا یا خدایان) (سفر پیدایش ۶: ۲ و کتاب ایوب ۲: ۶) یا در بیشتر موارد بن الوهیم یا بن الیم (پسران خدایان) یا به معنای عام «موجودات روحانی» نامیده می‌شوند، آنها همچنین به عنوان «موجودات مقدس» (کتاب ایوب ۵: ۱ و کتاب مزامیر ۸: ۸۹) شناخته می‌شوند. اغلب فرشته به سادگی «انسان»^۲ نامیده می‌شود. اما هوشع نبی اورا Malak می‌نامد (کتاب هوشع نبی ۱۲: ۵). نتیجه‌ای که از این تنوع حاصل می‌آید آن است که در فرازهایی مشخص نیست که منظور پیام آوری انسانی است یا فرا انسانی.

۲-۲- تبیین بحث

برخی بر این فرضند که در نمونه‌های آغازین داستان‌های کتاب مقدس، یک موجود انسانی مستقیماً با خداوند رو در رو بوده است و بعدها نویسندگان متن تورات، برجستگی (استبعاد) این مفهوم را با واسطه قرار دادن فرشتگان کاسته‌اند» (هارولد، ۱۹۹۶: ۹۵۶). فیلون^۳ به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مفسرین تورات که در زمان عیسی علیه السلام می‌زیسته است؛ در تحکیم مبانی اعتقادی یهود نقشی بسزا داشته است، جهان بینی که او از نظام عالم ارائه می‌دهد و سپس جایگاه ملائکه در این نوع نگاه که به شدت یهود را تحت تأثیر خویش قرار داده است مفاهیم یهودی را در قالب‌های فلسفی یونانی قرار داده و با این کار برای آنها اعتبار عقلانی فراهم آورد و از سوی دیگر، نشان داد که از دیدگاه یهودیت، بسیاری از عقاید یونانی بی‌نقص است و آنها را می‌توان با آموزه‌های یهودی خود فیلون و با معنای تمثیلی متون کتاب مقدس، سازگار تلقی نمود. خصوصیت موعظه‌گون بیشتر نوشته‌های او، مجال کافی را برای تلاش تفسیری به وی بخشید. او به دو مرجع استناد می‌جست: سنت دینی یهود و فلسفه یونانی و بر برتری اولی تأکید می‌ورزید. بر همین اساس «بسیاری از مفسران یهود (تلمود:

حضرت عیسی و قسمت دیگر را به رهبران دوره‌های اول مسیحیت استناد می‌دهند. از یک نظر عهد جدید را نیز به دو بخش تقسیم کرده‌اند: اول: اسفار تاریخی: متی، مرکس (مرقس)، لوقا (لوقا)، یوحنا و کردار پیغمبران (اعمال الرسل). دوم: علمی. قسمت دیگر عهد جدید، نامه‌های پیشوایان صدر مسیحیت است و از آن رو که احکام قسمتی از عقاید مسیحیان در آنها ذکر شده، اسفار یا فصول علمی اش می‌نامند که عبارت باشد از نامه‌های پولس بنیانگذار مسیحیت امروز جهان (آل اسحاق خوئینی، ۱۳۶۴: ۳۳۲) بنابراین کتاب مقدسی که نزد مسیحیان وجود دارد از عهد قدیم و عهد جدید تشکیل یافته است که عهد قدیم شامل تورات و برخی رساله‌های گوناگون است و عهد جدید که مشتمل بر اناجیل چهارگانه: متی، مرقس، لوقا، یوحنا و کتاب اعمال رسولان و نامه‌های متعدد و مکاشفه یوحنا است.

۲-معرفی ملائکه از دیدگاه عهدین

۲-۱- تفسیر لغوی ملائکه

ملائکه به طور مشخص در زبان انگلیسی با واژه Angel بیان می‌گردند. در اصطلاح شناسی عبری یهود، واژه‌ای که به صورت گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد کلمه Malak است که دقیقاً با معنای Angel همخوانی ندارد، این واژه عبری به معنی «پیام آور» یا «فرستاده» است. این واژه معمولاً در مورد عامل انسانی به کار می‌رود (سفر پیدایش ۴: ۳۲) و گاه کاربردی مجازی دارد (مزامیر ۱۰۴: ۴) این اصطلاح در نسخه یونانی کتاب مقدس به Angelos ترجمه شده است که همان تفاوت معنایی را دارد، هنگامی که همین واژه در ترجمه کتاب مقدس به عاریت گرفته شد و بعدها به دیگر زبانهای اروپائی وارد گردید معنای ویژه Angel به دست آمد. در متون عبری متأخر واژه malak فقط برای پیام آوران فرا بشری استفاده شده و برای عامل‌های انسانی، واژگان دیگری به کار رفت. ظاهراً به منظور وضوح بیشتر، کتاب مقدس در اکثر موارد فرشته را ملک خداوند می‌نامد، همین عنوان گاه به معنای

صفحه ۶۹-۶۸). وجود موجوداتی برتر از انسان در علم و قدرت را تأیید کرده اند. از نظر آنان این موجودات تنها از خداوند یکتا فرمان می‌برند و آفریده های وی هستند. این موجودات ملازمان وی هستند و مانند ملازمان یک پادشاه زمینی به خدمتگزاری مشغول هستند. آنها همچنین کارگزاران وی در رساندن پیامش به آدمیان و به انجام رساندن مشیئت الهی هستند «میکاه نبی رؤیایی را توصیف می‌کند که در آن خداوند بر عرش خود تکیه زده است در حالی که ساکنان بهشت در سمت راست و چپ وی ایستاده‌اند (کتاب اول پادشاهان ۲۲: ۱۹ و کتاب دوم تواریخ ایام ۱۸: ۱۸). اما در اکثر موارد ترکیب «ساکنان بهشت» به معنای «ابدان بهشتی» است (کتاب مرثی ارمیا: ۲ و سفر تثنیه ۴: ۱۹). به همین ترتیب، هوشع نبی خداوند را تکیه زده بر عرش خود می‌بیند، در حالی که سرافین با اعمالی نمادین او را تطهیر می‌کنند و با این عمل، وی برخلاف میکاه نبی نه یک شاهد صرف در تصمیمات شورا، بلکه شرکت کننده‌ای فعال می‌گردد (زکریای نبی ۳: ۷). در کتاب مزامیر، خداوند مهربان توسط مجموعه‌ای از موجودات مقدس نایش می‌شود. خداوند از تمامی آنها بزرگ تر است و آنان نسبت به ابهت وی احساس بیم و احترام می‌کنند (مزامیر ۸۹: ۹-۶). این تصویر در هر داستان دیگری نیز مورد تأکید قرار گرفته است (مزامیر ۲۹ و سفر خروج ۱۵: ۱۱) بعید نیست که این مضمون در عصری پدید آمده باشد که مسأله وجود «مجمع موجودات مقدس» یا «گروه موجودات ملکوتی» در معبد خدایان مورد قبول همگان بوده است. به همین دلیل ما شاهد تصاویری هستیم که در آن خداوند بر عرش خود تکیه زده است و این موجودات در برابر او به احترام ایستاده‌اند (کتاب اول پادشاهان ۲۲: ۱۹ و کتاب اشعیاء نبی ۶: ۲ و کتاب زکریای نبی ۳: ۷-۱ و کتاب ایوب ۱: ۶ و ۲: ۱) در فرازهای کتاب دانیال نبی نکته عمده‌ای به چشم نمی‌خورد، اما در سفر تثنیه این نکته به گونه‌ای برجسته مطرح شده است (سفر تثنیه ۳۲:

۹-۸) اصل بنیادین بر آن است که سرنوشت ملل بر مبارزه میان «وزرای آسمانی» قرار گرفته است. هریک از این وزرا به ملتی اختصاص یافته است و بنی اسرائیل نیز وزیر خاص خود را دارند که میکائیل است و همراه فرشته دیگر جبرائیل است. در کتاب مقدس از فرشتگان بسیار نام برده شده است. در عبرانیان می‌خوانیم تعداد فرشتگان بی شمار است و در واقع نمی‌توان آنها را برشمرد. همچنین در مآثورات یهودی، جبرئیل که تصور می‌شود از آتش ساخته شده، در کنار میکائیل، اوریل و رافائل جزء چهار فرشته‌ای است که در اطراف عرش‌اند. به علاوه، او در زمره فرشتگان ملاقات کننده با ابراهیم و نیز ویران کننده سدوم (از قرای قوم لوط) دانسته شده است» (هارولد، ۱۹۹۶، ج ۲: ۹۵۶).

«فرشتگان مقرب یا Archangels فرشتگانی هستند که از سایر فرشتگان، برتر و دارای درجه بالاتری هستند. این فرشتگان در تمامی ادیان یافت می‌شوند که بعضاً نام آنها اندکی متفاوت است. اسلام، مسیحیت، یهودیت و زرتشت، ادیانی هستند که این فرشتگان را در یک مضمون و زمینه قرار داده و تقریباً وظایف یکسانی را بر آنها می‌شمارند. اصل این لغت ریشه یونانی دارد. یکی از فرشتگان مقربی که در کتاب مقدس دین حضرت مسیح آمده Michael یا مایکل است که در دین اسلام از آن با نام میکائیل نام برده شده است. Gabriel (گابریل) که در انجیل لوقا نامش دیده می‌شود نیز یکی دیگر از این دسته فرشتگان است که در اسلام به او جبرائیل یا جبرئیل خطاب می‌کنند. از فرشتگان مقرب دیگر می‌توان از Raphael (رافائیل) مسیحی یا اسرافیل اسلامی نام برد و آخرین فرشته مقرب مشهور Azrael یا دوست شفیق نوع انسان همان حضرت عزرائیل است. سه فرشته اول در تاریخ ۲۹ سپتامبر در کلیساهای کاتولیک رومی مورد ستایش و تکریم واقع می‌شوند. هیچ منبع صریحی در متون شرعی (عهد عتیق) از فرشتگان مقرب یافت نمی‌شود. داستان های متفاوتی نیز از فرشتگان

کاتولیک ها و ارتدکس ها است نام Raphael یا رافائیل و برخی موارد Uriel و Phanuel هم دیده می شود. سنت ارتدکس ای شرقی معتقد است که فرشتگان مقدس ۱۰۰۰ (هزار) عدد هستند ولی فقط هفت عدد از آنها دارای نام مشخصند. آنها معتقدند علاوه بر ۳ فرشته مقدس نام برده Uriel, Selaphiel, Jegudiel و Barachiel (و گاهی هشتمین فرشته! Jeremiel) این فرشتگان نیز تیم هفت نفره را تکمیل می کنند. کلیسای ارتدکس مراسم جشنی را در ارتباط با گرامیداشت حضرت مایکل و نیز سایر قدرت های بدون بدن (Bodiless powers) در تاریخ ۸ نوامبر از تقویم عبادی خاص ارتدکس شرقی که مصادف است با ۲۱ نوامبر میلادی برگزار می کنند. مراسم دیگری نیز در ۲۶ مارچ ارتدکس یا ۸ آوریل میلادی و نیز معجزه مایکل در شهر باستانی Colossae را در تاریخ ۶ سپتامبر یا ۱۹ سپتامبر میلادی برپا می دارند. در ادامه هر دوشنبه سروده ای را برای مایکل و گابریل در کلیسا می خوانند. در سنت ارتدکس برای هر فرشته یک نماد سمبلیک طراحی شده است. کلمه مایکل در زبان عبری به معنی "Who is like unto God?" یا "چه کسی شبیه خداست"، است. به عبارتی دیگر چه کسی برابر با خداست یا "Who is equal to God?". از زمان های بسیار قدیم مایکل در مسیحیت به عنوان فرمانده شناخته شده است، کسی که در دست راست خود نیزه ای دارد که با آن به ابلیس یا Lucifer (لوسیفر) حمله می کند و در دست چپ یک شاخه سبز نخل. در بالای نیزه یک رویان از جنس کتان با یک صلیب قرمز است. به اعتقاد ارتدکس، ایشان حافظ و نگهبان آنان است و جنگجویی در مقابل کفار محسوب می شود. گابریل به معنی "Man of God" یا "Might of God" است یا همان "قدرت خداوند". او قاصد و منادی راز و رمزهای خداوند است بخصوص که به ایشان تجلی خداوند نیز می گویند. وی را به این شکل مجسم می کنند: در دست راستش فانوسی دارد که شمعی روشن در

آمده که در جای خود در خور توجه است مانند کشتی گرفتن حضرت یعقوب با خدا! که همان فرستاده وی یا فرشته ای بوده است که این نیز داستانی است برای پند آموزی! البته در تعالیم دینی یهود نظیر کابالا (کبالا یا قبلا) و کتاب Enoch یا همان انوخ (فصل ۲۰) همچنین در متن زندگی آدم و حوا تعداد فرشتگان مقرب که آمده حداقل هفت عدد! است که به آنان فرشتگان مرکزی یا کانونی نیز می گویند. و نیز سه فرشته مقربی که در قبل از آنان یاد شد (همه بجز عزرائیل) معمولاً به این عنوان یاد می شوند. هشت نام موجود است که در آن شک و شبهه ای وجود دارد که کدامیک از این اسامی از مقربین نیست:

Uriel - Sarial - Raguel - Zadkiel - Jophiel - Haniel - Chamuel در این اسامی بیشترین شک به Raguel است و نیز برخی مردم سروده ای را قبل از مراسم شام جمعه شب برای فرشتگان می خوانند. این شام شابوس یا Shabbos نام دارد. در این سروده عبارتی که معنی آن "رحمت بر تو باد" است خوانده شده که "تو" اشاره به فرشتگان دارد. در کتاب عهد جدید به مراتب از فرشتگان صحبت به میان آمده است. برای نمونه فرشتگانی که برای حضرت مریم و یوسف (Joseph) پیام می آوردند فرشته ای که به حضرت مسیح بعد از آزمایش ۴۰ روزه صحرا کمک نمود، فرشته ای که در هنگام مصلوب شدن حضرت، وی را ملاقات کرد، فرشته ای که بر مقبره ایشان دیده شد یا فرشته ای که دو حواری پیتر و پل را از زندان آزاد کردند، همه و همه از مصادیق بارز اشاره به فرشتگان در این دین است. ولی فقط در دو مورد به فرشتگان مقرب اشاره شده است، یکی به میکائیل یا مایکل در رساله Jude و دیگری در اولین نامه به Thessalonians که گفته شده هنگام بازگشت مسیح صدای یک فرشته مقرب شنیده می شود. پروتستان ها نام دو فرشته مقرب را در کتابشان دارند: Michael, Gabriel یا میکائیل و جبرائیل. در کتاب Tobit که بخشی از کتاب مقدس

آن است و در دست چپ یک آئینه از یشم سبز. این آیه نماد خرد خداوند به عنوان یک راز سری و مخفی است (اشاره به لقب امین در اسلام و نیز حروف مقطعه که رمز و رازی بین حضرت و جبرئیل و خداوند تبارک بوده است). لازم به توضیح است که از اینگونه نمادها و تمثیل‌ها در عهدین بسیار است. بخصوص در مورد توصیف موجودات عالم غیب. لذا مفسرین عهدین اموری همچون کشتی گرفتن خدا با یعقوب و... را توصیفاتی تمثیلی می‌دانند که برای نزدیک نمودن عالم غیب با فهم بشر صورت گرفته است، چرا که دستیابی و معرفت به عالم غیب برای کسانی که ابزار شناختشان حسی است، جز از طریق تمثیل امکان پذیر نیست. اما در رابطه با بحث فرشتگان در کتاب مقدس باید گفت که: در نخستین صفحات کتاب مقدس «فرشته یهوه» Yahweh به صورت پیام رسان خدا بر آدمیان ظاهر می‌شود. در مورد فرشتگان دیگر اشارات مبهم‌تری وجود دارند. در دوران پس از تبعید [یهودیان در بابل]، احتمالاً تحت تأثیر آیین زردشتی، سلسله مراتبی از فرشتگان پدید می‌آید که چهار فرشته یا بیش‌تر به نام فرشتگان اعظم (یا ملائک مقرب) خوانده می‌شوند. برخی از این فرشتگان بر ملت‌های جداگانه نظارت می‌کنند؛ گروه دیگری سرپرستی عنصرهای طبیعی مانند آتش و آب را به عهده دارند؛ عده‌ای دیگر با فرایندهای تاریخ در ارتباطند و از آنان انتظار می‌رود که نقشی الهی در داوری ایفا کنند. در نوشته‌های غیر کتاب مقدس مربوط به دوره معبد دوم، فرشتگان فریب خورده و رانده شده (پیدایش، ۶: ۱-۴) گاه به سبب وجود شرّ و بدی سرزنش می‌شوند. در مکاشفه [ی یوحنا] عهد جدید، فرشتگان فوق‌العاده فعال‌اند و نماینده قدرت خدا و نمونه پرستش حقیقی به شمار می‌روند» (نک به: فرهنگ ادیان جهان). در کتاب گنجینه تلمود که شرحی بر تورات است و به عنوان کتابی معتبر برای یهودیان قلمداد می‌شود ملائکه با اسامی و افعال مختلفی توصیف شده‌اند که بسیار با آنچه که در متون اسلامی آمده است شباهت دارد در

این کتاب آمده است: «بر هر یک از عناصر و عوامل طبیعت، فرشته‌ای به عنوان سرور و فرمانروا و حاکم، گمارده شده است: جبرئیل (جبرئیل) گماشته برآتش است (پساحیم، ۱۱۸ الف). یورقمی برتکرگ (مأخذ فوق) ریدیا، بربران (تعینت ۲۵ب). رهب، بردیا (باوایتر، ۷۴ب). لیلا، برشب (سندهرین، ۹۶الف) ونیز، برآبستنی (نیدا، ۱۶ب). دوما فرشته مرگ است (براخوت ۱۸ ب). (کهن، ۱۳۸۲: ۷۳) و در بخشی دیگر: هنگامی که ذات قدوس متبارک به موسی فرمود: برخیز و از اینجا زود پایین برو (سفر تشیه ۹: ۱۲) پنج فرشته آسیب رسان آن سخن را شنیدند و قصد کردند به موسی آسیب برسانند این فرشتگان عبارت بودند از: اف (خشم)، حما (قهر)، قصف (غضب)، مشحیت (تباه کننده) و مخله (فنا کننده) (دواریم ربا ۳: ۱۲) (همان، ۷۵).

۲-۳- ماهیت ملائکه در دین مسیحیت و یهود

پرداختن به ماهیت ملائکه از دیدگاه پیروان کتاب مقدس می‌تواند روشنگر نوع و چگونگی اعتقادات آنها به فرشتگان و بیانگر جایگاه ملائکه در نظرگاه آنان باشد به همین جهت: «فرشتگان در انجیل در موارد متعدد و مخصوصاً در ذکر حوادث خود مسیح ذکر شده‌اند. آباء نخستین کلیسا با همه اعتقاد به فرشتگان، در باره ماهیت آنها کمتر سخن می‌گفتند، و شاید این امر برای احتراز از اعتقاد به وجود وسائط در آفرینش (از قبیل صادر اول و صادر دوم و غیره) بوده است. بعدها به تدریج بحث در ماهیت فرشتگان به پیش آمد. قدّیس آوگوستینوس^۴ عقیده داشت که بدن فرشتگان از ماده اثیری است. فلاسفه مدرسی یا اسکولاستیک^۵، فرشتگان را مجرد محض می‌دانستند. به عقیده توماس آکویناس^۶ فرشتگان از شکل و ماده ترکیب نیافته‌اند و علم آنها حضوری است نه حصولی و همگی از شهبوات مبراً هستند. امروزه به عقیده کلیسای کاتولیک، فرشتگان موجوداتی مجرد از ماده هستند و آفرینش ایشان پیش از آفرینش انسان است. آنها دارای سلسله مراتب هستند و محافظ انسانند، درود و تحیت و به معنی دیگر

مربوط به دین یهود به انتخاب و دسته بندی مطالب آنها از قبیل تلمود و احیاناً به رفع تناقضات و شبهات موجود در آنها پردازند. یکی از شاخص ترین چهره‌های گروه دوّم را باید موسی بن میمون اندلسی دانست که یهودیان در باره او می‌گویند: **از موسی تا موسی چون موسی نیامده است.** مهم‌ترین اثر فلسفی او کتاب «دلالة الحائرين و هداية المضلین» است که آن را برای شاگردش یوسف بن عقیقین (که در کتب عربی به ابوالحجاج یوسف بن یحیی بن اسحاق سبتی معروف است) نوشته است. ابن میمون در این کتاب به تطبیق ظواهر کتاب عهد عتیق با قواعد عقلانی و فلسفی پرداخته است. از این رو ابن میمون از جمله متفکران بزرگ خردگرا و پیرو اصالت عقل به شمار می‌رود و شاید در این کار از همه نظایر و امثال خود پیشروتر باشد. ابن میمون امثال و کلماتی را که در تورات آمده است و با عقل ناسازگاری می‌کند به معنی لفظی آنها نمی‌گیرد و سعی می‌کند همه را تأویل عقلانی کند. روی سخن او با کسانی است که فلسفه و حکمت خوانده اند و با علوم عقلی آشنا هستند و هنگامی که به تورات روی می‌آورد، کلمات مبهم و امثال و رموز و اشارات آن را در نمی‌یابد و نمی‌داند که دین خود را چگونه حفظ کند به همین جهت به حیرت و سرگردانی می‌افتد. او به همین مناسبت کتاب خود را **دلالة الحائرين** (راهنمای سرگشتگان) نام نهاده است و در فصل ششم کتابش می‌نویسد: «ملائکه جسم نیستند و این مطابق با قول ارسطو است به جز اینکه یک اختلاف لفظی در اینجا وجود دارد. او می‌گوید: عقول مفارقه (مجرد) و ما می‌گوئیم ملائکه. ارسطو می‌گوید: عقول مجرد، واسطه بین خدای تعالی و موجودات است، و به واسطه آنها افلاک حرکت می‌کنند و همین موجب ادامه وجود کائنات می‌شود و ما می‌گوئیم هیچ کاری را خداوند انجام نمی‌دهد مگر به دست فرشته، و ملک به معنی رسول است. پس هر انجام دهنده امری فرشته است. حتی حرکات حیوانات غیر ناطق طبق نص کتاب تورات به دست فرشته است. گاهی به رسول از جنس مردم نیز

پرستش بعضی از فرشتگان در کلیسای مسیحیت رایج است و از آن جمله پرستش میکائیل، فرشته جنگجو است. از قرن چهارم میلادی به بعد در بسیاری از بلاد مسیحیت نمازخانه‌هایی برای میکائیل ساخته شده است. نقاش‌ها و مجسمه سازها در دوره‌های مختلف همگی، فرشتگان را با صورت انسان و با بال عرضه کرده‌اند» (مصاحب، ۱۳۴۵ ج ۲: ۱۸۷۸). اما در مورد یهودیان باید گفت که عقاید یهودیان درباره فرشتگان به دو گروه کلی تقسیم می‌شود: گروه اوّل: اکثر یهودیان هستند که مطالب کتاب مقدس را همانطور که هست با همه تناقضات بی چون و چرا پذیرفته اند. به عقیده این گروه به طور اجمال اشاره می‌کنیم:

«خود خداوند در کتاب اول سموئیل به عنوان ربّ الجنود (rabbol jonud) یا رئیس گروه فرشتگان یاد شده است. فرشتگان، ملکوت آسمانی خداوند را تشکیل می‌دهند و به منزله بندگان خداوند هستند که اوامر او را در زمین اجرا می‌کنند. آنها از مؤمنان حمایت می‌کنند و گناهکاران را تنبیه می‌کنند و وحی خدا را به انسان می‌رسانند. آنها ممکن است بر روی زمین به صورت انسان ظاهر شوند. در کتاب‌های تورات که پس از اسارت بابلی تألیف شده‌اند (از قبیل سفر: ایوب، حزقیل، دانیال، طوبیت) فرشتگان نقش مهم تری دارند و احتمال می‌دهند که این امر در نتیجه نفوذ ادیان مجاور و همچنین در نتیجه بالا بردن مقام الوهیت از پرداختن به امور عوالم پایین تر باشد. در این قسمت‌ها برای فرشتگان، سلسله مراتب قائل شده‌اند و فرشتگان نام‌های مخصوص پیدا کرده‌اند و نام‌های جبرئیل، میکائیل و رافائیل به عنوان ملائکه مقرب ظاهر شده است. ملائکه کرومیم (کروبیان) و سرافیم مقرب ترین ملائکه به خدا هستند. در زمان مسیح، در نتیجه نفوذ تفکر عقلی یونانی، فرقه صدوقیان از یهود، وجود فرشتگان را منکر شدند» (همان).

گروه دوّم: بعضی از دانشمندان یهودی هستند که در دوره‌های مختلف کوشیدند تا علاوه بر جمع آوری متون

ملک گفته می‌شود، چنانچه در تورات آمده است: و فرشته‌ای را مبعوث کرد و ما را از مصر بیرون برد. گاهی هم به عقول مجرد که در منظر نبوت بر انبیاء آشکار می‌شوند و گاهی هم بر قوای حیوانی رسول گفته می‌شود. سخن ما در اینجا این است که ملائکه عقول مجردند و شریعت ما منکر این مطلب نیست که خداوند عالم وجود را به واسطه ملائکه تدبیر می‌کند. قصد ما از این نصوص آن چیزی نیست که جاهلان می‌اندیشند. یعنی این نیست که خداوند کلام یا فکر یا روش یا مشورت یا استعانت به غیر دارد. چگونه جایز است خالق طلب یاری از مخلوق خود کند؟ بلکه همه اینها تصریح دارد بر این که حتی جزئیات مانند خلق اعضای حیوان همه و همه به واسطه ملائکه است. زیرا همه قوا همان ملائکه هستند و چقدر کوری جهل و ضرر آن فراوان است، زیرا هنگامی که به یکی از کسانی که خود را از حکماء بنی اسرائیل می‌داند بگوئی خداوند فرشته‌ای را بر می‌انگیزد تا داخل شکم زن شود و جنین او را شکل بخشد، گرچه به شگفت می‌آید اما می‌پذیرد و آن را عظمت و قدرتی از سوی خدا می‌داند. با آن که اعتقاد دارد که فرشته جسم است و از آتش سوزان ساخته شده و بزرگی او به اندازه یک سوم جهان است و همه اینها را از سوی خدا ممکن می‌داند. اما اگر به او بگوئی خداوند در نطفه مرد، قوه و صورتی قرار داده که این اعضا را تشکیل و آن را ترسیم می‌کند و آن قوه فرشته است، یا این که بگوئی همه صورت‌ها کار عقل فعال که فرشته و مدبّر جهان است و حکماء دائماً از او سخن می‌گویند می‌باشد این مطلب را نمی‌پذیرد. زیرا معنی عظمت و ضرورت حقیقی که همان ایجاد قوای فاعله در شیئی است و به وسیله حواس، درک نمی‌شود را نمی‌فهمد و حکماء تصریح کرده‌اند که هر قوه‌ای از قوای بدن، فرشته است و هر قوه، فعل مخصوصی به خود دارد و دو کار نمی‌کند. در تورات آمده است: او می‌داند که یک فرشته دو رسالت انجام نمی‌دهد و دو فرشته یک رسالت را انجام نمی‌دهند. این مطلب در همه قوا هست و آنچه مورد

تأکید است این است که قوای شخص طبیعی و نفسانی ملائکه نامیده می‌شوند. ابن میمون پس از ارائه نمونه‌های دیگر می‌گوید: و تصریح کرده‌اند... که قوه متخیله نیز ملک و عقل کروب نامیده می‌شود. اما درباره صورت‌هایی که فرشتگان به آن صورت‌ها در نظر انبیاء دیده می‌شوند می‌گوئیم: انبیائی را می‌بینی که ملائکه را به صورت انسان می‌دیدند چنانچه در سفر تکوین، ۱۸: ۲ آمده: (اینجا سه نفر مرد هستند) و بعضی فرشته را به صورت انسان ترسناک و مبهوت کننده می‌دیدند چنانچه در قاضیان، ۱۳: ۶ آمده: (دیدار او چون دیدار فرشته خدا بسیار ترساننده بود) و بعضی فرشته را به شکل آتش می‌دیدند چنانچه در سفر خروج، ۳: ۲ آمده: و فرشته خداوند در لهبی از آتش بر او تجلی کرد. گفته شده چون ابراهیم دارای نیروی (نبوت) عظیم بود فرشتگان بر او به شکل انسان ظاهر شدند و چون لوط دارای نیروی (نبوت) ضعیف بود بر او به شکل ملائکه ظاهر شدند!

بعضی از مردان قبل از اتمام رسالتشان و پس از آن از مراتب ملائکه سخن گفته‌اند پس تأمل کن و بین چگونه از هر جهت معنی فرشته را مساوی فعل تبیین کرده‌اند و نیز هر چه در نظر فرشته می‌آید در نظر پیامبر می‌آید و به حسب حال ادراک کننده است. پس در آنچه ارسطو ذکر کرده در این معنی چیزی مخالف شریعت (یهود) نیست. بلکه تنها آنچه در تمام اینها با ما اختلاف دارد این است که او می‌گوید این اشیاء قدیم هستند و ملازم حق تعالی می‌باشند و ما می‌گوئیم آنها مخلوق خدا هستند و خداوند خالق عقول مجرد است و خداوند در فلک، قوه شوق قرار داده است و خداوند است که عقول و افلاک را خلق کرده و به آنها نیروی تدبیر داده است. اسم ملک یک اسم مشترک است. که عقول و افلاک را در بر می‌گیرد. زیرا همه آنها مجریان امرند اما گمان نکن که افلاک یا عقل به منزله سایر قوای مادی طبیعی هستند که فعل خود را درک نمی‌کنند بلکه افلاک و عقول درک کننده افعال خودند و مختار و مدبّرند البته مانند اختیار و تدبیر ما نیستند. این امر در تورات به معانی

آید و در تمثیل عالم ملائکه انتظام می‌یابد و بدینگونه کتاب طوییا از هفت ملک که در مقابل پروردگار ایستاده اند یاد می‌کند: (طوییا ۱۲: ۱۵) و (ر.ک. رؤیا ۸: ۲) و اینها فرشتگانی هستند که تصاویری مقابل با تصاویری که پیش از آن در مذاهب فرشته پرستی مناطق فارس وجود داشته است دارند. ولی نقشی که به ملائکه نسبت داده شده تغییری نیافته است. آنها بشارت دهنده به انسان‌ها هستند (طوییا ۳: ۱۷) و (مزمور ۹۱: ۱۱) و (دانیال ۳: ۵۰-۴۹) و نماز نمازگزاران را به پیشگاه الهی بالا می‌برند (طوییا ۱۲: ۱۲) و سرنوشت امت‌ها را معین می‌سازند (دانیال ۱۰: ۲۱-۱۳) ملائکه در زمان حزقیال معنای رؤیای انبیاء را تفسیر می‌کنند (حزقیال ۴: ۴۰-۳) و (زکریا ۱: ۹-۸) و در مورد اخیر نشانگر ادبیاتی است که مشخصه ادبیات رؤیاگرا است (دانیال ۸: ۱۹-۱۵) و (دانیال ۹: ۲۳-۲۱) و ملائکه به نامهایی متناسب با وظایفشان نامبردار شده‌اند: رافائل خدای شفابخش است (طوییا ۳: ۲۵) و (طوییا ۱۲: ۱۵) و جبرئیل قهرمان خداست (دانیال ۸: ۱۶) و (دانیال ۹: ۲۱) و میکائیل از امثال خداوند است (دانیال ۱۰: ۱۳) و (۲۱) و (میکائیل ۱۲: ۱) و جماعت یهود تحت حمایت رئیس تمام ملائکه میکائیل هستند (دانیال ۱۰: ۱۳ و ۲۱) و (دانیال ۱۲: ۱).

۲-۵- اعتقاد به ملائکه در میان فرقه‌های یهود

آموزه‌های مربوط به فرشتگان به طور یکسان در میان مردم یهود منتشر نشده است. فرشتگانی که در دوران پس از تورات ظاهر می‌شوند به چند دسته تقسیم می‌شوند. فرشته‌ای که در یکی از مکاشفات زکریا ظاهر می‌شود (زکریا ۹: ۲)، به اسم نام برده نمی‌شود اما حمایت جانانه‌ای که از مسأله یهود می‌کند نشان دهنده آن است که وی تنها یک پیام آور به مفهوم دقیق کلمه نیست. در کتاب دانیال نبی، جبرئیل به عنوان مفسر مکاشفه دانیال ظاهر می‌شود (دانیال نبی ۹: ۲۱ و ۱۶) در ادبیات مکاشفه‌ای دین یهود فرشتگان گوناگونی به عنوان مفسران رؤیاهای نمادین ظاهر می‌شوند مانند: اورئیل، رعوثیل،

مختلفی آمده که آنها را بیان می‌کنیم: فرشته به لوط گفت: من نمی‌توانم چیزی را بسازم (سفر تکوین، ۱۹: ۲۲) و برای نجات او گفت: من برای تو شفاعت می‌کنم در این موضوع (سفر تکوین، ۱۹: ۱۲) و... اینها همه نشان می‌دهد که آنها فعل خود را درک کرده و در تدبیری که به آنها تفویض شده دارای اختیار و اراده‌اند، همانگونه که ما در آنچه به ما واگذار شده دارای اراده‌ایم و بر آن قادریم بجز آنکه ما گاهی ناقص عمل می‌کنیم و عدم بر تدبیر و فعل ما پیشی می‌گیرد اما عقول و افلاک چنین نیستند بلکه آنها همیشه کار خیر انجام می‌دهند و جز خیر از آنها صادر نمی‌شود (ابن میمون، ۲۰۰۶: ۲۸۵).

۲-۴- توصیف ملائکه پس از اسارت در بابل

پس از دوران اسارت (در بابل) می‌بینیم که وظایف ملائکه تخصصی‌تر می‌گردد و توصیفات ادبی که از ملائکه صورت می‌گیرد با نقش و جایگاه آنها، متناسب‌تر می‌شود، اعم از اینکه ملائکه نیکوکار باشند یا از شیاطین و ابلیس شمرده شوند و میان این دو، دائماً تعارض و نزاع است: و یهوشع رئیس کهنه را به من نشان داد که به حضور فرشته خداوند ایستاده بود و شیطان به دست راست وی ایستاده، تا با او مخاصمه نماید و خداوند به شیطان گفت: ای شیطان خداوند تو را نهیب نماید! خداوند که اورشلیم را برگزیده است تو را نهیب نماید. آیا این نیم سوزی نیست که از میان آتش ربوده شده است؟ و یهوشع به لباس پلید ملبس بود و به حضور فرشته ایستاده بودند خطاب کرده، گفت: لباس پلید را از برش بیرون کن. و او را گفت: بین عصیان را از تو بیرون کردم و لباس فاخر به تو پوشانیدم (زکریا ۳: ۱-۲). و چنین مفاهیمی از تقسیم بندی‌های صورت گرفته از عالم روحانی، تحت تأثیر غیر مستقیم ساکنان شهرهای واقع در میان بحرین تا ایران به وجود آمده است. تفکر یهود وقتی که با وفاق و همراهی ایران در بابل مواجه می‌شود دچار دگرگونی در عقاید پیشینش می‌گردد لذا در مواردی به رمز و استعاره سخن می‌گوید بدون اینکه به اندیشه توحیدی‌اش خلل چندانی وارد

رافائیل و میکائیل. گروهی مرکب از هفت فرشته معمولاً به عنوان رهبران دنیای فرشتگان توصیف می‌شوند. این گروه همچنین «فرشتگان مقرب» نیز نامیده می‌شوند، آنها اجازه ورود به درگاه خداوند را دارند. این گروه عبارتند از اورئیل که وظیفه وی نگهداری از عالم ارواح است، رافائیل که مسئول ارواح انسانی است، رعوئیل که از جهان روشنائی‌ها انتقام می‌گیرد، میکائیل که مراقب قوم اسرائیل است، سارئیل که وظیفه وی مشخص نیست، جبرئیل که بر بهشت حکمفرمایی می‌کند، جرمیل که بر اساس بخش دیگری از مکاشفات، نگهداری از عالم ارواح را بر عهده دارد.^۷ این هفت فرشته همیشه در جوار خداوند هستند و در میان فرشتگان برگزیدگانی هستند که همیشه وظایفی ویژه که تاریخ جهان را معنا می‌بخشد به ایشان واگذار می‌شود مانند: عقوبت فرشتگان سقوط کرده، یا عقوبت هفتاد فرشته‌ای که به عنوان شاهزاده‌های مردم زمین عمل می‌کنند، یا بالا بردن «لاوی» به مقام کاهنی، یا انتقال حکمت الهی به اخنوخ و غیره (هارولد، ۱۹۹۶: ۲: ۹۵۶).

فهرست مشابهی در عبادت های فرشتگان قمران به چشم می‌خورد که وظایف آسمانی هریک از هفت فرشته ذکر شده در فوق را تداعی می‌کند، هر چند نام های آنان حذف شده است. در این طومارها دو فرشته توصیف می‌شود که مهمترین فرشته‌ها هستند: «شاهزاده روشنائی» و «فرشته تاریکی» که به ترتیب با آنها «پسران پرهیزکاری» و «پسران تاریکی» همراه هستند. این فرشتگان در پیکار همیشگی با هم بوده و با دو لشکر در «نبرد واپسین» رو در روی یکدیگر قرار می‌گیرند و در آن فرشته تاریکی نابود می‌گردد. برخی بر این فرضند که شاهزاده روشنائی اورئیل است ولی برخی دیگر بر این باورند که وی میکائیل است زیرا در توصیفی که از وی شده است او موجودی است که از طرف خداوند به شکل «روشنائی جاودانه» فرستاده شده است (دانیال نبی ۱۵: ۱۳) به نظر می‌رسد فرشته تاریکی «بلیال» باشد «اما برای فساد بلیال آفریده شده که

فرشته نفرت است و قلمرو وی ظلمات، است». علاوه بر گروه متشکل از هفت فرشته یک گروه مرکب از چهار فرشته نیز وجود دارد که نام بسیاری از آنها مشترک است. این گروه «فرشتگان حضور» نامیده می‌شوند. اینان عبارتند از میکائیل، جبرائیل، رافائیل و فنوئیل (گاه رافائیل و جبرائیل جایگزین هم می‌شوند) آنان نقشی مهم در مجازات فرشتگان گمراه دارند. آنها در چهارگوشه عرش خداوند جای گرفته‌اند و برخلاف همه فرشتگان، آزادانه در دربار خداوند- فلک الافلاک- رفت و آمد می‌کنند. در کتاب آدم و حوا و در ادبیات ربانی این چهار فرشته میکائیل، جبرائیل، اورئیل و رافائیل هستند. گروه دیگری از فرشتگان، «هفتاد شاهزاده ملت ها» هستند که به هفتاد ملت جهان اختصاص دارند. برای اولین بار در ترجمه سبعینی کتاب مقدس در بخش سفر تثیبه- بدون ذکر تعداد آنان- به آنان اشاره شده است. وصیت نعتالی (پسر ششم حضرت یعقوب نبی) به زبان عبری آنان را هفتاد «فرشته وزیر» می‌نامد. مأخذی دیگر نقل می‌کند که خداوند به همراه هفتاد فرشته از آسمان بر زمین فرود آمد تا به ملل جهان‌هایشان را بیاموزد (پیدایش ۱۰: ۲۵) آنگاه، میکائیل به امر خداوند از مردم ملل خواست تا «فرشته سرور» خود را انتخاب کنند و نیز از آنان خواست تا هریک فرشته‌ای را انتخاب کنند که زبان را به آنان بیاموزد. در این امر اسرائیل مستثنی گردید و خداوند را به سروری خود برگزید. براساس بخش اول کتاب اخنوخ در زمان نابودی «معبداول» این هفتاد فرشته، به حکمرانی بر اسرائیل (که خداوند آن را طرد کرده بود) تا روز قیامت، گمارده شدند. فرشتگان با «ارواح عناصر» نیز در ارتباطند (مفهومی که بدون شک تحت تأثیر ادیان چند خدائی وارد دین یهود شده است) به عنوان مثال: فرشته روح آتش، فرشته روح باد، ابرها، تاریکی، برف، تندر، رگبار و روشنائی (ایوب ۲: ۲). بنابراین، در «زندگی آدم و حوا» میکائیل به عنوان Triptolemus ظاهر می‌شود^۸ و به آدم می‌آموزد که چگونه خاک را بارور سازد. علاوه بر لشکر فرشتگان که در تورات و کتب معجول، تحت

حکمت است، ناپاک و ناآگاه هستند (فکری، آنطونیوس، بی تا: ۸۷).

۲-۵-۲- فرشتگان قدیسین

در کتاب ایوب، ۵: ۱ و ۱۵: ۱ الی ۶ آمده است: (ای ایوب فکر می‌کردیم آدم عاقلی هستی، ولی سخنان احمقانه‌ای به زبان می‌آوری حرف‌های تو پوچ و تو خالی است. هیچ آدم حکیمی با این حرف‌های پوچ از خود دفاع نمی‌کند. مگر از خدا نمی‌ترسی؟ مگر برای او احترامی قائل نیستی؟ حرف‌های تو گناهانت را آشکار می‌کند، تو با حيله و نیرنگ صحبت می‌کنی لازم نیست من تو را محکوم کنم، چون دهان خودت تو را محکوم می‌کند) و (کتاب مزامیر، ۸۹: ۶) و آسمانها کارهای عجیب تو را ای خداوند تمجید خواهند کرد و امانت تو را در جماعت مقدسان. زیرا کیست در آسمانها که با خداوند برابری تواند کرد؟ و از فرزندان زورآوران که را با خداوند تشبیه توان نمود؟ خدا بی نهایت مهیب است در جماعت مقدسان و ترسناک است بر آنانی که گرداگرد او هستند (و کتاب دانیال، ۴: ۱۰). در این جهت که فرشتگان جماعت مقدسان توصیف شده‌اند میان قرآن و عهدین اشتراک وجود دارد.

۳- چگونگی تدبیر فرشتگان از دیدگاه عهدین

در کتاب مقدس از فرشتگان بسیار نام برده شده است. در عبرانیان آمده است، تعداد فرشتگان بی شمار است و در واقع نمی‌توان آنها را برشمرد. فرشتگان کارهای بسیاری نیز به انجام می‌رسانند، از جمله: خبر تولد یحیی، خبر تولد عیسی، خبر تولد عیسی به شبانان، فرشته‌ای سنگ قبر عیسی را می‌غلطاند (و عیسی به عروج می‌رود)، فوجی از فرشتگان تحت فرمان او هستند و در بازگشت ثانوی عیسی با او همراه خواهند بود، همراه عیسی در روز داوری، شادی ایشان به جهت توبه یک گنهکار، کودکان خردسال دارای فرشته نگهبان، خبر تولد اسحق، نجات هاجر توسط فرشته، خبر تولد شمشون، نجات دانیال از چنگ شیران، نجات ایلیاء نبی توسط فرشته، یاری

نام‌های عام کروبیون، سرافین و اوفانین آمده است، فرشتگان قدرت، فرشتگان حاکمیت، فرشتگانی که به عنوان سرور به بشر خدمت می‌کنند، (مزامیر ۹۱: ۱۱) فرشتگان صلح (اول اخنوخ ۵: ۵ و ۳: ۴ و ۲: ۵۶). و فرشتگان شفاعت کننده نیز وجود دارند. در کنار فرشتگان روشنائی، ظلمت و نابودی در ادبیات دینی بحر میت، فرشتگان قدوسی نیز وجود دارند (موسوی گرمارودی، ۱۳۷۸: ۲۱۰).

بنابراین، می‌توان گفت که تفکر یهود وقتی که با وفاق و همراهی ایران در بابل مواجه می‌شود دچار دگرگونی در عقاید پیشینش می‌گردد لذا در مواردی به رمز و استعاره سخن می‌گوید بدون اینکه به اندیشه توحیدی‌اش خلل چندانی وارد آید. در این اندیشه فرشتگان با «ارواح عناصر» نیز در ارتباطند مفهومی که بدون شک تحت تأثیر ادیان چند خدائی وارد دین یهود شده است. پس از دوران اسارت (در بابل) می‌بینیم که وظایف ملائکه تخصصی تر می‌گردد و توصیفات ادبی که از ملائکه صورت می‌گیرد با نقش و جایگاه آنها، متناسب تر می‌شود، اعم از اینکه ملائکه نیکوکار باشند یا از شیاطین و ابلیس شمرده شوند و نکته آخر اینکه به دلیل بیان استعاری عهد عتیق و قرآن در موارد متعدد بیانات آنها در باره فرشتگان اشتراک دارد.

۲-۵-۱- فرشتگان ناپاک

حتی فرشتگان آسمان نیز در نظر خدا پاک نیستند. چه برسد به آدمیانی که از خاک آفریده شده‌اند و مانند بید ناپایدارند (کتاب ایوب، ۴: ۱۸ و ۱۹) و همچنین در کتاب ایوب، ۱۵: ۱۵ خدا حتی به فرشتگان خود نیز اعتماد ندارد، در نظر او حتی آسمان‌ها نیز پاک نیستند. چه رسد به انسان که گناه را مثل آب سر می‌کشد. آنطونیوس فکری در تفسیر این آیه می‌نویسد: گرچه فرشتگان بندگان خدا و ارواح نورانی و مقدسی هستند که حکیمانه عمل می‌کنند اما اینها اموری نسبی است یعنی آنها به نسبت انسان که گرفتار جسم است پاک و از عیب مبرا هستند، اما به نسبت خداوند که مظهر قدس و

نمودن زکریا در نوشتن، و... میکائیل به عنوان رئیس فرشتگان نامیده شده است و او در واقع نگهبان یهودیه است و در هنگام ظهور ثانوی مسیح با مسیح همراه خواهد بود. جبرئیل نیز از فرشتگان اعظم است. فرشتگان خدمتگزاران وارثان نجات هستند (عبرانیان، ۱: ۱۳-۱۴). **جبرئیل (جبرائیل)**، از فرشتگان مقرب الهی است. درباره جبرئیل در کتاب مقدس و سنت‌های یهودی و مسیحی، بحث شده است. در سنت یهودی - مسیحی واژه عبری آن که در یونانی **Gabriel** تلفظ شده لفظاً به معنای «خدا قدیر است» یا مرد خدا، و قهرمان خداست.^۹ نام جبرئیل چهار بار در عهدین آمده است: دو بار در کتاب دانیال نبی و دو بار در انجیل لوقا. در کتاب دانیال نبی (۸:۱۶)، جبرئیل به صورت انسانی بر دانیال پدیدار می‌شود تا معنای رؤیای او را برایش باز گوید. حضور جبرئیل با جذبه‌ای همراه است که دانیال از آن مدهوش می‌شود. در جای دیگری از کتاب دانیال نبی (۹:۲۱)، جبرئیل در زمانی که دانیال مشغول دعا و قربانی است، پروازکنان نزد وی می‌آید تا اسراری را برایش آشکار کند. در این موارد جبرئیل فرشته نامیده نشده، بلکه صرفاً موجودی آسمانی است که می‌توان او را پیام آور خدا دانست و حضورش با جذبه و قدرتی الهی همراه است (دانیال: ۱۸:۱۰) در انجیل لوقا، جبرئیل مژده تولد یحیی را برای زکریا (۱:۱۹) و مژده تولد عیسی را برای مریم (۱:۲۱) می‌آورد. گفته شده است که حضور جبرئیل در عهد عتیق صرفاً نشان دهنده قدرت الهی است اما حضور او در عهد جدید، علاوه بر آن، آرامش بخش و اطمینان آفرین نیز هست.^{۱۰} همچنین گفته شده است که هر چهار بار حضور جبرئیل در کتاب مقدس به نحوی ناظر به وعده الهی به ظهور مسیح است. جبرئیل در آثار غیر رسمی و مجعول بین عهدین (برای نمونه کتاب اول خنوخ) و بعد آن حضور برجسته‌ای دارد و در حد ملکی مقرب ارتقا یافته است. در ترجمه و تفسیر آرامی تورات، نقش جبرئیل بیشتر شده و به او فعالیت‌هایی نسبت داده شده که در دوره‌های اولیه عهد عتیق اتفاق افتاده است، مثلاً اوست که یوسف را راهنمایی

می‌کند (سفر پیدایش، ۳۷:۱۵) یا در دفن موسی شرکت دارد (سفر تثنیه، ۳۴:۶) همچنین در مآثورات یهودی، جبرئیل که تصور می‌شود از آتش ساخته شده، در کنار میکائیل، اوریل و رافائل جزء چهار فرشته‌ای است که در اطراف عرش‌اند. به علاوه، او در زمره فرشتگان ملاقات‌کننده با ابراهیم و نیز ویران‌کننده سدوم (از قرای قوم لوط) دانسته شده است.^{۱۱} هر چند جبرئیل هم در سنت یهودی و هم در سنت مسیحی، به مرور زمان، اهمیت و ارج و قرب بیشتری یافته و حتی تصویر او به صورت فرشته‌ای بالدار به آثار هنری راه پیدا کرده است، اما نه در سنت یهودی (که در آن میکائیل مدافع همیشگی قوم یهود تلقی می‌شده است) و نه در سنت مسیحی، جبرئیل هیچگاه به اندازه میکائیل اهمیت نیافته و همیشه مرتبه‌ای ثانوی داشته است (همان). طبیعت ناقص فرشتگان اغلب مورد تاکید قرار می‌گیرد. هرچند آنان جاودانه هستند (کتاب اول اخنوخ، ۱۵: ۶). وجود ایشان مقدم بر آفرینش نیست آنان در روز اول خلقت آفریده شدند (کتاب ایوب ۲: ۱) یا براساس مأخذ دیگری (کتاب دوم اخنوخ، ۲۶) در روز دوم. آنها نه تنها واقف به همه امور نیستند بلکه گاه پاسخی برای پرسش‌هایی که از آنان می‌شود ندارند و مجبورند به جهل خود اعتراف کنند (کتاب عزرا، ۴: ۵). نیایش خداوند مهمترین وظیفه‌ای است که به فرشتگان نسبت داده می‌شود (اول اخنوخ: ۴۰). واسطه بودن آنان میان خداوند و انسان وظیفه بسیار مهم دیگری است که بر عهده فرشتگان نهاده شده است. نقش مهم دیگر، نقش شفاعت‌کننده آنان و التماس آنان در برابر خداوند برای انسان است (کتاب اول اخنوخ، ۲: ۱۵ و ۹: ۴). گاه انسان ملتسمانه از فرشتگان می‌خواهد که حاجت وی را به درگاه خدا منتقل کنند (کتاب اول اخنوخ: ۹: ۲). فرشتگان همچنین در مقام مخالفت با «فرشتگان بشر» که مایلند در عرش الهی به عنوان دادیار عمل کنند ظاهر می‌گردند. فرشتگان حامل و واسطه قوانین شریعت از جانب خداوند برای موسی هستند (کتاب ایوب نبی: ۱: ۲). اشاره ویژه به حضور فرشتگان به هنگام وحی بر موسی در سینا در ترجمه سبعینی

زمانی که «سرگروه درباریان خداوند» بر یوشع نبی ظاهر می‌شود، در ابتدا مشخص نیست که آیا ملاقات کننده وی یک فرشته است؟ (یوشع ۵: ۳) فرشته خداوند در سفر داوران (داوران ۱: ۲ و ۵: ۲۳). شاید یک پیامبر باشد، اما ملاقات کننده‌ای که جدعون را فرا می‌خواند تا عجایب را رهبری کند مشخصاً یک فرشته است (داوران ۶: ۱۱). در مورد فرستاده‌ای که تولد شمشون را پیش بینی می‌کند نیز به همین صورت است و ماهیت فرشته گونه وی زمانی آشکار می‌شود که به شکل محرابی آتشین به آسمان عروج می‌کند (سفر داوران ۱۳: ۲۰). فرشته‌ای با شمشیر از نیم برآمده در دست، در عهد داود عامل طاعون است (دوم سموئیل ۲۴: ۱۷-۱۶. اول تواریخ ایام ۲۱: ۱۵). پیامبر سالخورده‌ای ادعا می‌کند که از یک فرشته پیام وحی دریافت کرده است (اول پادشاهان ۱۳: ۱۸) فرشته در داستان‌های ایلیا (اول پادشاهان ۱۹: ۵) نیز یک بار ظاهر گشته است. لشگر سناحریب توسط فرشته خداوند نابود شده است (دوم پادشاهان ۱۹: ۳۵. اشعیاء نبی ۳۷: ۳۶. دوم تواریخ ایام ۳۲: ۲۱). فرشته خداوند دو بار در کتاب مزامیر ظاهر شده است: او محافظ صالحان است (۳۴: ۸). وی بر سیاهکاران عذاب فرود می‌آورد (۳۵: ۶-۵). (هارولد، همان) در تجلی‌های الهی که حزقیال توصیف می‌کند، حضور الهی بر عرش تکیه زده است و چهار آفریده شگفت انگیز که در باب اول حیات *hayyot* «حیوانات زنده» یا «حیوانات» نامیده شده‌اند وی را محافظت می‌کنند (حزقیال، باب اول). اما در باب ۱۰: ۸-۱۱ آنان به عنوان کروبیان (فرشتگان مقرب) مشخص شده‌اند. علاوه بر این، در بخش آخر، تخریب و نابودی اورشلیم وظیفه‌ای است که بر عهده شش «مرد» مسلح نهاده شده است، یکی از آنان مردی است که لباسی از کتان در بر دارد و کاتبی در کنار خود، و پیشانی مؤمنانی را که نجات یافته هستند علامت می‌گذارد (همان ۹: ۱) بعداً همین مرد کتان پوش، ذغال‌های آخته را از آتش میان کروبیان بر می‌دارد تا در آتش زدن شهر از آنها استفاده کند (همان ۱۰: ۱) در باب‌های ۱۲ تا ۳۹ کتاب حزقیال

سفر تنیه (۲۳: ۲) آمده است. با این وجود هیچ نشانه‌ای از آیین‌های فرشتگان در یهودیت رسمی دیده نمی‌شود (هارولد، همان)^{۱۲} در کتاب ایوب موجودات ملکوتی در پیشگاه خداوند دارای جسم هستند (که البته تأویل پذیر است) و شاید این امر به منظور ارائه گزارش وظایف متعدد ایشان و اخذ دستورهای جدید باشد، یکی از اینان شیطان است که وظایفش را تحت امر خداوند به انجام می‌رساند (کتاب ایوب ۱: ۶) به نظر می‌رسد فرشتگانی که یعقوب آنان را در حال بالا و پایین رفتن از نردبان مشاهده کرد، پیام‌آورانی باشند که برای انجام مأموریت به بیرون می‌آیند و سپس برای گزارش آنچه کرده‌اند به آسمان باز می‌گردند (هارولد، همان). کتاب‌های روایی نمونه‌های زیادی ذکر می‌کنند که در آن یک فرشته- و به ندرت دو یا بیشتر- پیامی را ابلاغ می‌کند یا عملی را انجام می‌رساند و گاه هر دو کار را توأمأ به عهده دارد. فرشته به شکل انسان ظاهر می‌شود و گاه فوراً شناخته نمی‌شود. ظهور فرشته بر هاجر (پیدایش ۱۶: ۷ و ۲۱: ۱۷) و بر ابراهیم در کوه موريا (پیدایش ۲۲: ۱۱) گواهی بر این مدعی است و در قرآن فرشته بر مریم ظاهر می‌شود. افزون بر آن، سه مرد بر ابراهیم وارد می‌شوند تا تولد اسحاق را به اطلاع وی برسانند (پیدایش ۱۸: ۱ و ۱۹: ۱). فرشته خداوند در خواب بر یعقوب ظاهر می‌شود و می‌گوید «من خدای بیت ایل-مشتق از کلمه عبری به معنی خانه خدا، محل پرستش خداوند- هستم» و به وی فرمان می‌دهد که به سرزمینش باز گردد (پیدایش ۳۱: ۱۱). در کتاب میثاق، خداوند پیمان می‌بندد که فرشته‌اش را برای راهنمایی بنی اسرائیل بفرستد تا آنان را به هنگام ورود به سرزمین موعود یاری رساند. اسم اعظم در وجود فرشته است و باید از روی ایمان کامل از وی اطاعت کرد (خروج ۲۳: ۲۰).

زمانی که بلعام درخواست بالاق را برای کمک می‌پذیرد فرشته خداوند به عنوان مشاور فرود می‌آید. فرشته برای الاغ بلعام قابل رؤیت است، اما بلعام تنها وقتی می‌تواند فرشته را ببیند که خداوند چشمان وی را باز کرده باشد (اعداد ۲۲: ۲۲).

۳-۱-۱- تمجید خداوند

ای فرزندان خدا، خداوند را توصیف کنید. جلال و قوت را برای خداوند توصیف نمایید. خداوند را به جلال اسم او تمجید نمایید. خداوند را در زینت قدوسیت سجده کنید (مزامیر، ۲۹: ۱) و (مزامیر، ۸۹: ۷) و (تثنیه، ۳۲: ۸). و در میان آنها کرویین هستند (و این اسم از اسامی مناطق بین النهرین است) که جایگاهشان عرش الهی است: به حضور افرایم و بنیامین و منسی، توانایی خود را برانگیز و برای نجات ما بیا! (مزامیر، ۸۰: ۲) و خداوند سلطنت گرفته است، پس قوم‌ها بلرزند! بر کرویین جلوس می‌فرماید، زمین متزلزل گردد! (مزامیر، ۹۹: ۱). اگر مفهوم فرزند خدا بودن استعاری و به عنوان کسب شرافت و مقام باشد این سخن با قرآن اشتراک دارد: وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي (الحجر، ۲۹) البته در قرآن تعبیر فرزند خدا، كَلِّمًا رَدًّا شده است چه عیسی باشد چه عزیر و چه ملائکه (التوبه، ۳۰ والانعام، ۱۰۰).

۳-۱-۲- ستایش سرافین از پروردگار

و سرافین (سرافیل) بالای آن ایستاده بودند که هر یک از آنها شش بال داشت، و با دو بال از آنها روی خود را می‌پوشانید و با دو بال از آنها روی خود را می‌پوشانید و با دو پای خود را می‌پوشانید و با دو پای پرواز می‌نمود. و یکی دیگری را صدا زده می‌گفت: قدوس، قدوس، قدوس، یهوه صباوت، تمامی زمین از جلال او مملو است (اشعیا، ۶: ۲-۳). در قرآن نیز تعبیر ستایش فرشتگان از خداوند آمده است. اما تعبیر بال داشتن تنها در آیه اول سوره فاطر آمده است و قرآن فقط به بالدار بودن آنها به عنوان ابزار حرکت اشاره دارد البته در کتاب مقدس نیز گرچه زبان استعاری است اما موارد آن متعدد و با ذکر جزئیات بیشتر، اشاره شده است.

۳-۱-۳- مرکب های خداوند

بر کروی سوار شده، پرواز نمود و بر بال های باد طیران کرد (مزامیر، ۱۸: ۱۰). آنطونیوس فکری در تفسیر این آیه می‌نویسد: کروب رمز معرفت است بنابراین وقتی می‌فرماید خدا (مسیح)

نبی به فرشتگان اشاره‌ای نشده است، اما در رؤیاهای مربوط به بازسازی معبد (باب‌های ۴۸-۴۰) پیامبر توسط مردی راهنمایی می‌شود که «مانند مس می‌درخشد» (همان ۴۰: ۳) و بناها و ساختمان‌های مختلف را ارزیابی می‌کند و نقش‌های هر یک را توضیح می‌دهد. در کتاب زکریای نبی، حضور فرشتگان چشمگیر است. کتاب شامل رؤیاهای نمادین بسیار است که توسط فرشته ای که با او سخن می‌گوید به پیامبر منتقل می‌شود (زکریای نبی ۴: ۵-۱۰ و ۵: ۱-۵). فرشته خداوند چندین بار ظاهر می‌شود. او نیمی از اسرائیل را نزد خداوند شفاعت می‌کند (همان ۱: ۱۳-۱۲). او در اعاده حیثیت یوشع، ریاست جلسه را برعهده دارد و شیطان را توبیخ می‌کند که چرا به یوشع تهمت زده است (همان ۳: ۱) در کتاب دانیال نبی بیش از بخش‌های اولیه کتاب مقدس از فرشتگان سخن به میان آمده است. در این کتاب آمده است که ملازمین بی شماری در اطراف عرش الهی گرد آمده‌اند (دانیال نبی ۷: ۱۰) و بیان می‌کند که یک فرشته، سه مرد را از دوزخ (همان ۳: ۲۸-۲۵) و دانیال را از چنگ شیران (همان ۶: ۲۳) نجات می‌دهد. گاه فرشته «مرد» خوانده می‌شود و گاه یک فرشته به عنوان مردی کتان پوش توصیف می‌شود (همان ۱۰: ۵ و ۱۲: ۷) (موسوی گرمارودی، ۱۳۷۸ ص ۲۰۳). «اسم "ملاک" به زبان عبری و انجلوس (angelos) به زبان یونانی برای بیان طبیعت وجودی آنها نیست بلکه بیانگر وظایف آنها است، بنابراین، ملائکه ارواحی هستند که مسخر فرامین الهی برای خدمتگزاری هستند و برای کمک و مراقبت از کسانی که مایلند نجات الهی را دریافت نمایند فرستاده می‌شوند (عبرانی، ۱: ۱۴). (نجیب، بی تا).

۳-۱-۳- تدبیر ملائکه از دیدگاه عهد قدیم

عهد قدیم یا عتیق به ابعاد گوناگون ملائکه و وظایف آنها اشاره نموده است که توجه به آنها می‌تواند بیانگر مبانی اعتقادی یهود و جایگاهی که آنها برای ملائکه در تدبیر عالم قائل هستند باشد که به موارد آن اشاره می‌شود:

تحقق حاکمیت و سلطنت الهی را بر جهان هستی: خداوند را متبارک خوانید، ای فرشتگان او که در قوت زور آورید و کلام او را به جا می‌آورید و آواز کلام او را گوش می‌گیرید! (مزامیر، ۱۰۳: ۲۰).

۳-۱-۷- پیوند دهنده میان آسمان و زمین

و خوابی دید که ناگاه نردبانی بر زمین برپا شده، که سرش به آسمان می‌رسد، و اینک فرشتگان خدا بر آن صعود و نزول می‌کنند. در حال، خداوند به سر آن ایستاده، می‌گوید: من هستم یهوه، خدای پدرت ابراهیم، و خدای اسحاق. این زمینی را که تو بر آن خفته ای به تو و به ذریت تو می‌بخشم... (تکوین، ۲۸: ۱۲) ولی در کنار این پیام آوران اسرارآمیز، داستانهای کتب عهد عتیق به معرفی فرشتگان دیگری نیز در دستگاه حاکمیت الهی پرداخته‌اند: و فرشته خداوند او را نزد چشمه آب در بیابان، یعنی چشمه‌ای که به راه شور است، یافت. (آفرینش، ۱۶: ۷) و همچنین (آفرینش، ۲۲: ۱۱) و (خروج، ۳: ۲) و (داوران، ۲: ۱) و در اینکه خداوند را در این دنیا نمی‌توان به گونه‌ای مرئی مشاهده کرد اختلافی نیست (آفرینش، ۱۶: ۱۳) و (خروج، ۳: ۲) و خداوند در جایگاهی نورانی قرار دارد که کسی را یارای نزدیک شدن به او نیست (اول تیموتائوس ۶: ۱۶) اما وجه خدا را هیچکس نمی‌تواند مشاهده کند: و گفت: روی مرا نمی‌توانی دید، زیرا انسان نمی‌تواند مرا ببیند و زنده بماند. (خروج، ۳۳: ۲۰) و انسان تنها سایه‌ای رمزگونه از خداوند را می‌تواند ارائه نماید و این فرشتگان که در نصوص کتب عهد قدیم ذکرشان رفته است تصویرگر عالم لاهوت نیز بوده‌اند و با ذکر نام فرشتگان ربوبی تأثیری عینی در کتب عهد جدید و تعلیمات مذهبی آباء کلیسا باقی گذاشته‌اند (متی، ۱: ۲۰ و ۲۴) و (متی، ۲: ۱۳ و ۱۹) و (لوقا، ۱: ۱۱) و (لوقا، ۲: ۹) و هرگاه سخن از وحی به میان آمده انتساب آن به نقش ملائکه در آوردن وحی، فزونی یافته است.

۳-۱-۸- در بر گرفتن مجموعه‌ای از مجسمه‌های کروبیان

تابوت عهد را با بال هایشان

بر کروبی سوار شد به معنای آن است که چون کروبیان به مقام او معرفت دارند و پیروان، او را دوست دارند، خداوند (عیسی) در نزد آنها در راحتی و آسایش است و منظور از طیران، صعود او به آسمانها است (فکری، بی تا: ۲۸۰) در قرآن به سیر و سفر پیامبر اسلام (ص) از مسجدالحرام به مسجد الاقصی و سپس عروج آن حضرت سخن به میان آمده است، اما اشاره نشده است که بر فرشته‌ای سوار شده است. گر چه در روایات معراجیه آمده است که پیامبر در این سفر مرکبی داشته است (ر.ک. تفسیر قمی ج ۲: ۳ ذیل سوره اسراء).

۳-۱-۴- لشگریان آسمان

و گفت: پس کلام خداوند را بشنو: من خداوند را بر کرسی خود نشسته دیدم و تمامی لشکر آسمان نزد وی به طرف راست و چپ ایستاده بودند (اول پادشاهان، ۲۲: ۱۹) و نیز (مزامیر، ۱۴۸: ۲، نحمیا، ۹: ۶).

۳-۱-۵- نگهبانی درگاه ملکوت الهی

پس آدم را بیرون کرد و به طرف شرقی باغ عدن، کروبیان را مسکن داد و شمشیر آتشی را که به هر سو گردش می‌کرد تا طریق درخت حیات را محافظت کند. (تکوین، ۳: ۲۴). مک دونالد در تفسیر این آیه می‌نویسد: اگر (آدم و حوا) از درخت حیات خورده بودند، تا ابد در بدنهایی که در معرض بیماری، فساد، و ناتوانی بود زندگی می‌کردند. کروبین مخلوقات الهی بودند که وظیفه‌شان «حفاظت از قدوسیت خدا در برابر غرور انسان سقوط کرده بود» آدم و حوا باید تصمیم می‌گرفتند که آیا خدا دروغ گفته است یا شیطان. تصمیم آنها نشان می‌داد که خدا دروغ می‌گوید «بدون ایمان تحصیل رضامندی او محال است». از این رو نام های آنان در طومار افتخار عبرانیان باب ۱۱ یافت نمی‌شود (مک دونالد، بی تا: ۱۱-۱۲) تعبیر نگهبانی برای فرشتگان در قرآن نیز آمده است اما نه به این توصیف که مثلاً شمشیر آتشی دارند (الانعام، ۶۱).

۳-۱-۶- فرشتگان به عنوان رفعت بخش بهاء و کرامت و

مجدد و عظمت خداوند و گروهگانان فرمان خداوند برای

گفت: وی را اغوا خواهی کرد و خواهی توانست. پس برو و چنین بکن (اول پادشاهان، ۲۲: ۱۹ الی ۲۲). و همچنین: (اشعیاء، ۶: ۱۱ الی ۳) در سالی که عزیزی پادشاه مرد، خداوند را دیدم که بر کرسی بلند و عالی نشسته بود و هیکل از دامن‌های وی پر بود و سرافین بالای آن ایستاده بودند که هر یک از آنها شش بال داشت، و با دو از آنها روی خود را می پوشانید و با دو پایهای خود را می پوشانید و باد و پرواز می نمود. و یکی دیگری را صدا زده، می گفت: قدوس قدوس قدوس یهوه صبايوت، تمامی زمین از جلال او مملو است». البته در قرآن نیز شبیه این تعبیرات آمده است «و جاء رِبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا» (الفجر، ۲۲). که اشاره دارد بر اینکه خداوند با تمام شکوه و جلال، با فرشتگان در صحنه قیامت حضور می یابند.

۳-۱-۱۱- لمس لب های اشعیاء توسط فرشته

آنگاه یکی از سرافین نزد من پرید و در دست خود اخگری که با انبر از روی مذبح گرفته بود، داشت و آن را بر دهانم گذارده، گفت که اینک این لب هایت را لمس کرده است و عصیان‌ت رفع شده و گناهت کفاره گشته است... (اشعیاء، ۶: ۶-۷). آنطونیوس فکری اخگر را نماد عیسی و ریخته شدن خون او بر روی صلیب می داند که عالم لاهوت را به عالم ناسوت پیوند می زند و موجب تقدیس و تطهیر عالم ناسوت در آینده خواهد شد (فکری، بی تا: ۴۹).

۳-۱-۱۲- نزول عذاب توسط فرشتگان شریر

در رابطه با شرور فرشتگان در ابتدا بدون هیچ مشخصه‌ای وظایف شایسته یا ناشایست برای ملائکه قائل بودند (رک. ایوب ۱: ۲) لذا خداوند ملائکه نیک را برای نگاهبانی از بنی اسرائیل گسیل می دارد: اینک من فرشته‌ای پیش روی تو می فرستم تا تو را در راه محافظت نموده، بدان مکانی که مهیا کرده‌ام برساند (خروج ۲۳: ۲۰). و ملائکه بد را نیز می فرستد: (و آتش خشم خود را بر ایشان فرستاد، غضب و غیظ و ضیق راه، به فرستادن فرشتگان شریر (مزمور ۷۸: ۴۹). و در رساله دیگر، آنها نقش هلاکت را برعهده دارند: زیرا خداوند عبور

و در محراب دو کروبی از چوب زیتون ساخت که قد هر یک از آنها ده ذراع بود. و بال یک کروبی پنج ذراع و بال کروبی دیگر پنج ذراع بود و از سر یک بال تا به سر بال دیگر ده ذراع بود. و کروبی دوم ده ذراع بود که هر دو کروبی را یک اندازه و یک شکل بود. بلندی کروبی اول ده ذراع بود و همچنین کروبی دیگر. و کروبیان را در اندرون خانه گذاشت و بال‌های کروبیان پهن شد به طوری که بال یک کروبی به دیوار می رسید و بال کروبی دیگر به دیوار دیگر می رسید و درمیان خانه بال های آنها با یکدیگر برمی خورد و کروبیان را به طلا پوشانید. و بر تمامی دیوارهای خانه به هر طرف نقش‌های تراشیده شده کروبیان و درختان خرما و بسته های گل در اندرون و بیرون کند (اول پادشاهان، ۶: ۲۳-۲۹).

۳-۱-۹- ساختن تابوت عهد به شکل فرشتگانی از طلا

و دو کروبی از طلا بساز، آنها را از چرخکاری از هر دو طرف تخت رحمت بساز و یک کروبی در این سر و کروبی دیگر در آن سر بساز. کروبیان از تخت رحمت بر هر دو طرفش بساز (خروج، ۲۵: ۱۸-۱۹). آنطونیوس فکری منظور این آیه را تابوت عهد دانسته است (فکری، بی تا: ۱۹۲-۱۹۱).

۳-۱-۱۰- اغواء نمودن انبیاء

عهد قدیم اشکالی متناسب با داستانهای اساطیری شرق را در بیان وحی خدای واحد به کار برده است، در موارد زیادی مشاهده می شود که ملک و سلطنت خداوند، همانند سلطنت پادشاهان شرقی توصیف شده است. مثلاً: او گفت: پس کلام خداوند را بشنو: من خداوند را بر کرسی خود نشسته دیدم و تمامی لشکر آسمان نزد وی به طرف راست و چپ ایستاده بودند و خداوند گفت: کیست که آخاب را اغوا نماید تا به راموت جلعاد برآمده، بیفتد و یکی به اینطور سخن راند و دیگری به آنطور تکلم نمود و آن روح پلید بیرون آمده، به حضور خداوند بایستاد و گفت: من او را اغوا می کنم. و خداوند وی را گفت: به چه چیز؟ او جواب داد که من بیرون می روم و در دهان جمیع انبیایش روح کاذب خواهم بود. او

اینگونه افعال در قرآن نیز به فرشتگان نسبت داده شده است. مانند داستان عذاب قوم عاد و ثمود و...

۱-۱-۳- پیوند ملائکه و مسیح در تدبیر

ملائکه در تفکر مسیحی جایگاه خاصی دارند. پیروان انجیل از پیوندی عمیق میان مسیح و ملائکه خبر داده‌اند (متی ۴: ۱۱ و لوقا ۲۲: ۴۳) پس مسیح علیه السلام از آن جهت که فرشتگان وجودی فعال، حقیقی و تاثیرگذار در عالم خلقت دارند به آنها اشاره نموده است پس آنها در عین حضور در پیشگاه پدر آسمانی به این امور اشتغال دارند:

۱- به نگاهی از انسانها مشغولند (متی ۱۸: ۱۰) -۲- از نیازهای جسمانی بشری به دور هستند (متی ۲۲: ۳۰) -۳- در عین حال از آخرین روز دنیا که فقط پدر آسمانی از آن خبردارد، بی خبرند (متی ۲۴: ۳۶) مگر اینکه آنها را باخبر سازد (متی ۱۳: ۳۹ و ۴۹ و متی ۲۴: ۳۱) -۴- به سبب توبه گنهکاران همراه با خداوند شادی می‌کنند (لوقا ۱۵: ۱۰). علاوه بر اینها مسیح علیه السلام جایگاه ملائکه را نسبت به ابناء بشر مشخص نموده است و این به معنی رازی است که او آشکار نموده است بخصوص که این راز بیانگر مجد و مقام بزرگی است که در آینده کسب خواهد کرد. ۵- به زودی کاروان فرشتگان به هنگام آمدن مسیح همراهی‌اش خواهند کرد (متی ۲۵: ۳۱) -۶- در صعود و نزول خویش به نزد مسیح می‌آیند (یوحنا ۱: ۵۱). همانطور که در گذشته در مورد یعقوب اتفاق افتاده است (تکوین ۲۸: ۱۰) -۷- مسیح فرشتگان را می‌فرستد تا برگزیدگان را گرد آورند (متی ۲۴: ۳۱) -۸- همه بدکاران را از ملکوت خداوند بیرون برانند (متی ۱۳: ۴۱-۴۲) -۹- در شرایط بحرانی عیسی و یارانش می‌توانند از فرشتگانی که در خدمتش هستند یاری بجویند (متی ۲۶: ۵۳). مسیحیان اولیه توان فهم انعکاس سخنان عیسی علیه السلام را آن هنگام که تاکید می‌کرد مقام و درجه ملائکه پایین‌تر از او می‌باشد، نداشتند، با وجود این عیسی به واسطه جسد جسمانی‌اش خود را از ملائکه پایین‌تر قرار می‌دهد (عبرانیین ۲: ۷). در مقایسه خلقت، انسان در جایگاه اندکی پست

خواهد کرد تا مصریان را بزند و چون خون را بر سر در و دو قائمه‌اش بیند، همانا خداوند از در گذرد و نگذارد که هلاک کننده به خانه‌های شما در آید تا شما را بزند (خروج ۱۲: ۲۳) و (دوم سموئیل ۲۴: ۱۷-۱۶) و (دوم پادشاهان ۱۹: ۳۵). و حتی شیطان در کتاب ایوب از جمله درباریان بارگاه الهی است: و روزی واقع شد که پسران خدا آمدند تا به حضور خداوند حاضر شوند؛ و شیطان نیز در میان ایشان آمد و خداوند به شیطان گفت: از کجا آمدی؟ شیطان در جواب خداوند گفت: از تردد کردن در زمین و سیر کردن در آن. خداوند به شیطان گفت: آیا در بنده من ایوب تفکر کردی که مثل او در زمین نیست؟ مرد کامل و راست و خدا ترس که از گناه اجتناب می‌کند! شیطان در جواب خداوند گفت: آیا ایوب مجاناً از خدا می‌ترسد؟ آیا تو گرد او و گرد خانه او و گرد همه اموال او، به هر طرف حصار نکشیدی و اعمال دست او را برکت ندادی و مواشی او در زمین منتشر نشد؟ لیکن الآن دست خود را دراز کن و تمامی مایملک او را لمس نما و پیش روی تو، تو را ترک خواهد نمود. خداوند به شیطان گفت: اینک همه اموال او در دست تو است؛ لیکن دستت را بر خود او دراز مکن «پس شیطان از حضور خداوند بیرون رفت (ایوب ۱: ۱۲-۶) و (ایوب ۱۰: ۱-۲).

۱-۳-۱۳- شتاب در اجرای عذاب

پس نگرستم و اینک بر فلکی که بالای سر کروبیان بود، چیزی مثل سنگ یاقوت کیود و مثل نمایش شبیه تخت بر زبر آنها ظاهر شد و آن مرد را که به کتان ملبس بود خطاب کرده گفت: در میان چرخ‌ها در زیر کروبیان برو و دست‌های خود را از اخگرهای آتشی (آلام مسیح) که در میان کروبیان است پر کن و بر شهر (اورشلیم) بپاش. و او در نظر من داخل شد (حزقیال، ۱۰: ۱-۲). طبق تفسیر آنطونیوس فکری تمام کلمات در این آیه استعاره‌ای است از مسیح و درد و رنج‌های او که دامنگیر اورشلیم می‌شود (ر.ک. تفسیر کتاب حزقیال نبی). البته

تر از فرشتگان قرار گرفته است. او نسبت به قدرت، تحرک و دانش، محدودتر از فرشتگان است و او نسبت به مرگ در امان نیست. ولی در نقشه خدا، سرنوشت انسان قرار گرفتن تاج جلال و اکرام بر سر وی می‌باشد. محدودیت بدنی و فکری او کاملاً برداشته شده و او در جهان سرافراز خواهد شد (مک دونالد، تفسیر رساله عبرانیان: ۱۳). ۱۰ - به سبب فرزند خدا بودن این استحقاق را می‌یابد که فرشتگان بر او سجده نمایند (عبرانیان ۱: ۶-۷). مک دونالد در تفسیر آیه می‌نویسد: سومین جنبه که از طریق آن مسیح از فرشتگان برتر است این می‌باشد که او مورد پرستش آنها واقع می‌شود و آنها پیغامبران و خدمتگزاران او هستند. برای اثبات این نکته، نویسنده از تثبیه ۴۳:۳۲ و همچنین از مزمو ۷:۹۷ نقل قول می‌کند. آیه‌ای که در تثبیه یافت می‌شود به زمانی نظر می‌اندازد که او به عنوان نخست زاده به جهان آمد. به بیانی دیگر، این به ظهور ثانوی مسیح اشاره دارد. در آن زمان او به طور عمومی مورد پرستش قرار خواهد گرفت و به وسیله فرشتگان نیز مورد ستایش و پرستش خواهد بود. این می‌تواند فقط بدین معنا باشد که او خداست. پرستش هر کسی یا چیزی به غیر از خدای حقیقی بت پرستی است. ولی خدا در اینجا فرمان می‌دهد که خداوند عیسی مسیح باید به وسیله فرشتگان پرستیده شود (مک دونالد، تفسیر کتاب عبرانیان: ۱۰). همچنین (ر.ک. به: مزمو ۹۷: ۷). ۱۱ - تا هنگام قیامت خداوند (پدر) او را در مقامی برتر از ملائکه می‌نماید (افسیان ۱: ۲۰-۲۱). ۱۲ - ملائکی که خدا آنها را در مسیح و به سبب او و برای او، آفریده است (کولسیان ۱: ۱۶). مک دونالد در تفسیر این آیه می‌نویسد: آیه ۱۶ به طور قطعی عنوان می‌کند که خداوند عیسی یک موجود آفریده شده نمی‌باشد بلکه او خودش خالق است. در این آیه ما می‌آموزیم که همه چیز، کل جهان و مخلوقات، نه فقط به وسیله او آفریده شدند بلکه برای او آفریده شدند... او یک شخصیت از ذات خدا است که از طریق او عمل آفرینش ظاهر شد (مک دونالد، تفسیر کتاب کولسیان: ۱۵). ۱۳ - همه به ربوبیت او

اعتراف دارند (رؤیا ۵: ۱۱-۱۲) در تفسیر این آیه مک دونالد نوشته است: سرایندگان بسیار بودند که گرداگرد تخت و حیوان و پیران بودند. سرایندگان بالغ بر میلیون ها و شاید میلیاردها بودند که همگی در یک نظم کامل خدا را می‌سرودند و (۷: ۱۱-۱۲). ۱۴ - در جهان آخرت در رکابش هستند (تسالونیکی دوم: ۷: ۱ و رؤیا (مکاشفات یوحنا) ۱۴: ۱۴-۱۶ همچنین ر.ک به: تسالونیکی ۴: ۱۶). ۱۵ - بدینگونه فرشتگان که اسرار الهی را می‌دانند در مقابل مسیح فروتنند (تیموتائوس ۳: ۱۶ و پطرس ۱: ۱۲).

۳-۱-۱۵ - تدبیر فرشتگان بر انسان

ملائکه وظایفی را که در کتب عهد قدیم به آنها نسبت داده شده، پیوسته متوجه انسانها می‌سازند، بنابراین، با توجه به این دیدگاه ملائکه حقیقتاً پیام آورانی هستند که هر دستوری را از آسمان به زمین می‌آورند. پس جبرئیل مژده تولد دو فرزند (عیسی و یحیی) را می‌دهد (لوقا ۱: ۱۹ و ۲۶) و گروهی از سپاهیان آسمان در شب میلاد مسیح وارد می‌شوند (لوقا ۹: ۱۴) و دسته ای دیگر قیامت را اعلام می‌کنند (متی ۲۸: ۷) و برای رسولان معنای صعود را تفسیر می‌کنند (اعمال رسولان ۱: ۱-۱۱) و یاری کنندگان مسیح در نجات انسانهای (نیکوکار) هستند (عبرانیان ۱: ۱۴) و به نگاهبانی از بشر می‌پردازند (متی ۱۸: ۱۰، اعمال رسولان ۱۲: ۱۵) و درود قدیسان را به پیشگاه خداوند عرضه می‌نمایند (رؤیا ۵: ۸، ۸: ۳) و روح نیکوکاران را به بهشت می‌برند (لوقا ۱۶: ۲۲) و برای حمایت از کنیسه میکائیل را همراهی می‌کنند و به پیکار با شیطنی که سابقه نبرد با او از آغاز آفرینش بوده است می‌پردازند (رؤیا ۱۲: ۱ - ۹) (نجیب، بی تا).

بنابراین، از دیدگاه مشترک حاکم میان ادیان ابراهیمی در مورد فرشتگان، باید گفت که با توجه به استعاری بودن زبان، متون مقدس گر چه در ظاهر با یکدیگر اختلاف دارند اما یک حقیقت مشترک را بیان می‌دارند و البته زبان قرآن در این جهت بسیار گویاتر و متقن تر است؛ اما در رابطه با نگاه به

میان خداوند و انسان وظیفه بسیار مهم دیگری است که بر عهده فرشتگان نهاده شده است. نقش مهم دیگر، نقش شفاعت کننده آنان و التماس آنان در برابر خداوند برای انسان است (اول اخنوخ، ۲: ۹ و ۴: ۴) گاه انسان ملتسمانه از فرشتگان می‌خواهد که حاجت وی را به درگاه خدا منتقل کنند (اول اخنوخ، ۹: ۲) فرشتگان همچنین در مقام مخالفت با «فرشتگان بشر» که مایلند در عرش الهی به عنوان دادیار عمل کنند ظاهر می‌گردند. فرشتگان حامل و واسطه قوانین شریعت از جانب خداوند برای موسی هستند (ایوب نبی ۱: ۲) اشاره ویژه به حضور فرشتگان به هنگام وحی بر موسی در سینا در ترجمه سبعینی سفر تثنیه (۲۳: ۲) آمده است. با این وجود هیچ نشانه‌ای از آیین‌های فرشتگان در یهودیت رسمی دیده نمی‌شود (هارولد، ۱۹۹۶، ج ۲: ۹۵۶) پس از دوران اسارت (در بابل) می‌بینیم که وظایف ملائکه تخصصی تر می‌گردد و توصیفات ادبی که از ملائکه صورت می‌گیرد با نقش و جایگاه آنها، متناسب تر می‌شود اعم از اینکه ملائکه نیکوکار باشند یا از شیاطین و ابلیس شمرده شوند (نجیب‌بی، تا، ص) پیروان عهدین، ماهیت فرشتگان را به تناسب رتبه یا وظیفه اشان گوناگون ارزیابی کرده اند، لذا پاره ای را از جنس آتش و پاره‌ای را از جنس قوا و پاره ای را مجرد و پاره ای را از شیاطین دانسته‌اند به سبب بیان گوناگون و متنوعی که در کتاب مقدس از وظایف فرشتگان صورت گرفته است وظایف فرشتگان در کتاب مقدس با ذکر جزئیات و بسیار مفصل‌تر از قرآن بیان شده است. در مواردی در کتاب مقدس وظایفی از قبیل آموختن زبان به ملل جهان (پیدایش ۱۰: ۲۵)، برای فرشتگان، اشاره شده است و به دلیل بیان وظایف بعضاً متضاد برای فرشتگان، در کتاب مقدس تصویر روشنی از عملکرد فرشتگان ارائه نمی‌شود. طبیعت ناقص فرشتگان اغلب مورد تاکید قرار می‌گیرد. هر چند آنان جاودانه هستند (کتاب اول اخنوخ، ۱۵: ۶). وجود ایشان مقدم بر آفرینش نیست آنان در روز اول خلقت آفریده شدند (کتاب ایوب ۲: ۱) یا بر اساس مأخذ دیگری (کتاب دوم اخنوخ، ۲۶) در روز دوم. آنها نه تنها

انبیاء نیز باید گفت: «انبیاء سخنگویان الهام یافته از آسمان برای خدا بودند. ایشان تحت عنوان خادمین یهوه نامیده شده‌اند. توانایی روحانی خدمت ایشان در عهد عتیق حفظ شده است ولی خدمت ایشان جزئی و ناقص بوده است. هر کدام از انبیاء قسمت خاصی از مکاشفه خدا را به انجام رسانیدند ولی در هیچ موردی این مکاشفه کامل نبوده است (البته مسلمین اعتقاد به اتمام وحی و ختم نبوت پس از پیامبر اسلام دارند). ایشان به طرق مختلف با مردم ارتباط برقرار می‌ساختند، از قبیل شریعت، تاریخ و نبوت. گاهی شفاهی و گاهی مکتوب. بعضی وقت‌ها به وسیله رویاها، خواب‌ها، نشانه‌ها یا اعمال نبوتی. ولی از هر روشی استفاده می‌کردند، نکته در این است که مکاشفه قبلی قوم یهود مقدماتی، پیش رونده و به لحاظ چگونگی نمایش، متنوع بوده است. انبیاء تنها کانال‌هایی بودند که از طریق آنها کلام آسمانی گفته می‌شد» (مک دونالد، بی تا: ۷) بنابراین، می‌توان گفت که در محتوای دعوت انبیاء اشتراک وجود دارد: *إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَ النَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ (النساء، ۱۶۳)* اگر چه در گذر زمان اختلافاتی در تشریح داشته‌اند.

نتیجه

پیروان عهدین همانند مسلمانان وجود فرشتگان را یکی از اصول ایمانی و از مهمترین ارکان هستی می‌دانند. و از آنجا که عهد قدیم اشکالی متناسب با داستانهای اساطیری شوق را در بیان وحی خدای واحد به کار برده است، در موارد زیادی مشاهده می‌شود که ملک و سلطنت خداوند، با وصف استعاری و بسیار مشابه قرآن که از وصف ملائکه در پیشگاه خدا همچون پادشاهان رژه می‌روند (الفجر، ۲۲)، همانند سلطنت پادشاهان شرقی توصیف شده است. در کتاب مقدس از فرشتگان بسیار نام برده شده است. در عبرانیان آمده است، تعداد فرشتگان بی شمار است و در واقع نمی‌توان آنها را برشمرد. فرشتگان کارهای بسیاری نیز به انجام می‌رسانند، از جمله: خبر تولد یحیی... نیایش خداوند مهمترین وظیفه‌ای است که به فرشتگان نسبت داده می‌شود (اول اخنوخ: ۴۰) واسطه بودن آنان

واقف به همه امور نیستند بلکه گاه پاسخی برای پرسش‌هایی که از آنان می‌شود ندارند و مجبورند به جهل خود اعتراف کنند (عزرا، ۴: ۵۱). البته این امر به دلیل استفاده از زبان استعاره است و مفسرینی چون آنتونیوس فکری اطلاق این نسبت‌ها به فرشتگان را در قیاس با خداوند که کامل مطلق است جایز می‌دانند و نکته آخر اینکه به دلیل بیان استعاری عهد عتیق و قرآن در موارد متعدد بیانات آنها در باره فرشتگان اشتراک دارد. فرشتگان با «ارواح عناصر» نیز در ارتباطند (مفهومی که بدون شک تحت تأثیر ادیان چند خدائی وارد دین یهود شده است) به عنوان مثال: فرشته روح آتش، فرشته روح باد، ابرها، تاریکی، برف، تندر، رگبار و روشنائی (ایوب ۲: ۲) عهد جدید عین تعبیر و اصطلاحاتی که معاصرین یهودی‌اشان به طور تقلیدی و از کتب مقدس دریافته بودند را به کار بسته است و بدینگونه به معرفی رؤسای ملائکه (اول تسالونیکیان ۴: ۱۶ و یهودا، ۹) و کروبیان (عبرانیان ۹: ۵) و ساکنان عرش و صاحبان سروری و ریاست و پادشاهی (کولسیان ۱: ۱۶) پرداخته و در بخشی دیگر صاحبان فضیلت و کمال (افسیسیان ۱: ۲۱) را به آنها افزوده است اما این رتبه بندی سلسله وار که با تعبیر و درجات متفاوتی همراه است از عقیده خاصی پیروی نمی‌کند بلکه همان شیوه عهد قدیم بطور جسته گریخته بر این کتاب (عهدجدید) حاکم است جزاینکه پیروان عهد جدید در شکل وحی خاص مسیحی آنها را مرتب نموده‌اند. امروزه به عقیده کلیسای کاتولیک، فرشتگان موجوداتی مجرد از ماده هستند و آفرینش ایشان پیش از آفرینش انسان است. آنها دارای سلسله مراتب هستند و محافظ انسانند، درود و تحیت و به معنی دیگر پرستش بعضی از فرشتگان در کلیسای مسیحیت رایج است، و از آن جمله پرستش میکائیل، فرشته جنگجو است (مصاحب، ۱۳۴۵، ج ۲: ۱۸۷۸). در مآثورات یهودی، جبرئیل که تصور می‌شود از آتش ساخته شده، در کنار میکائیل، اوریل و رافائل جزو چهار فرشته ای است که در اطراف عرش اند. به علاوه، او در زمره فرشتگان ملاقات کننده با ابراهیم و نیز ویران

کننده سدوم (از فرای قوم لوط) دانسته شده است». آنچه‌آن که مشاهده می‌شود رأی یهودیت و مسیحیت درباره فرشتگان بسیار متناقض و مبهم است. ماهیت ملائکه در طیفی وسیع از ماده تا تجرد و از خداوند تا حیوانات و اشیاء تغییر می‌کند و معرفی می‌شود. عدم دستیابی به یک تعریف صحیح و روشن از این موجود آسمانی سبب شده تا علاوه بر فرقه صدوقیان یهود که بکلی وجود فرشتگان را منکر شدند. امروزه نیز جنبش‌های اصلاح طلب یهودیت معاصر و برخی از بخش‌های جنبش محافظه کار، همه اشارات به فرشتگان را در نیایش‌ها و مناجات نامه‌ها حذف کنند و اگر برخی از موارد را حفظ کرده‌اند آنها را در مفاهیمی اساطیری و شاعرانه تفسیر می‌کنند. به عقیده آنان اعتقاد به وجود فرشتگان با دریافت‌های نوین از جهان و خدا همخوانی ندارد و نمی‌تواند با عقل‌گرایی مدرن‌سنجی داشته باشد (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۷: ۲۱۰) در کتاب گنجینه تلمود فرشتگان دارای اختلاف رأی و استقلال هستند: «حتی اگر نهصد و نود و نه فرشته به محکومیت فردی رأی دهند، و فقط یک فرشته به براءت او رأی دهد، ذات قدوس متبارک شاخص ترازوی عدالت را به نفع او متمایل می‌سازد» (کهن، ۱۳۸۲: ۴۴-۴۵)، همچنین آنها را پدید آمده از نهری از آتش بر می‌شمرد (همان: ۶۹) (دانیال، ۷: ۱۰) بنابراین، گرچه کسانی مانند ابن میمون به تاویل و تفسیر نقل‌های مخالف و بعضاً متعارض کتاب مقدس در توصیف فرشتگان پرداخته‌اند و در مواردی این توصیفات مشابه توصیفات قرآن است، اما امتیاز قرآن در این است که اولاً: متن قرآن از این تعارضات به دور است و اگر هم تعارضی ظاهری در آن دیده شود، به دلیل آنکه شیوه بیان قرآنی معمولاً اختصار و بیان کلیات است، موارد آن بسیار کمتر از عهدین است و به دلیل اینکه لفظ به لفظ متن آن وحیانی است، ظرفیت و صلاحیت تأویل و رفع تعارض را دارد و ثانیاً: بیان قرآن در توصیف ملائکه بیان تنزیهی است در حالی که متن عهدین در توصیف ملائکه در مواردی آنچه‌آن تجسیمی است که کسانی چون ابن میمون به سختی به توجیه و تأویل آنها

آنان و نیز نوشته‌های مشهور به اسم اینها را به دلیل هماهنگی با اهدافش برگزیده باشد به یک معنا، "هرمنوتیک" کار اصلی فیلون در طول حیات بود.

۴- (Qeddis Agustinus) ۴۳۰-۳۵۴، مجتهد کلیسا، متوفی در آفریقای شمالی. متألهان مسیحی اعم از کاتولیک و پروتستان او را استاد الهیات می‌دانند و از آثارش استفاده‌های فراوان برده‌اند (ر.ک. به دائرة المعارف مصاحب، ۱۳۴۵، ج ۱: ۳۰۷).

۵- (Skolastik) عنوان تفکرات و نظریات و مباحث فلسفی، کلامی که در مدارس قرون وسطی از زمان شارلمانی تا آغاز رنسانس، تابع و مروج آن بودند... فلسفه اسلامی و یهودی را از جهت ارتباط و تأثیر آن در فلسفه قرون وسطی، فلسفه مدرسی می‌خوانند (همان ۱۳۷۴، ج ۳: ۲۷۱۸).

۶- (Tomas akuinas) معروف به حکیم آسمانی (۱۲۷۴-۱۲۲۵) فیلسوف ایتالیایی، بزرگترین شخصیت فلسفه مدرسی، یکی از بزرگترین قدیسان کاتولیک و واضع دستگاه فلسفی که پاپ لوئی هشتم آنرا فلسفه رسمی مذهب کاتولیک اعلام کرد وی معتقد بود که الهیات و عاوم نمی‌توانند متناقض باشند زیرا حقیقت قابل تجزیه نیست. براساس این فکر دست به کار تلفیق فلسفه ارسطو با عقاید مسیحی شد. ترکیبی که از این دو به عمل آورده است، از بزرگترین کارهایی است که در فلسفه صورت گرفته است و برجسته‌ترین مرحله فلسفه مدرسی، به شمار می‌رود (همان، ۱۳۴۵، ج ۱: ۶۹۱).

۷- Encyclopedia Judaica, v2, p.956.

۸- در اسطوره شناسی، قهرمانی که کشت و زرع را به انسان آموخت.

۹- نک. دانشنامه معیار کتاب مقدس، ذیل "Gabriel"؛ دایرة المعارف جدید کاتولیک، ذیل "Gabriel, Archangel".

پرداخته‌اند و ثالثاً: ملائکه در قرآن در تمام موارد مظهر قدرتمندی و تدبیر ربّ العالمین هستند در حالی که در عهدین در مواردی فرشتگان عصیانگر معرفی شده‌اند. رابعاً: متن کتاب مقدس با متون حدیثی ما قابل مقایسه است نه با قرآن که متنی صد در صد وحیانی است به گونه‌ای که تک تک حروف آن توسط خدا تألیف یافته است. تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ (الحاقه، ۴۷-۴۳). فرو فرستاده‌ای است از جانب پروردگار عالم های آفریدگان. و اگر او برخی سخنان را بر ما ببندد. حتما او را به کیفر آن به چنگ قدرت بگیریم، آنگاه رگ قلب او را ببریم و در آن حال هیچیک از شما (کیفر را) از او مانع نتواند شد.

پی نوشت‌ها

- ۱- ظاهراً (انسانهای با ماهیت ملکوتی و ربّانی) مراد است.
- ۲- مرد
- ۳- تلاش برای به کارگیری مفاهیم فلسفی یونانی به نفع اعتقادات یهودی، به وسیله فیلون یهودی (حدود ۲۰ ق. م- ۴۰ ق. م) انجام گرفت. وی عضو برجسته جامعه بزرگ اسکندریه بود. فیلون عالمی که تعالیم یونانی و یهودی را با هم درآمیخت فیلسوفی با دیدگاهی به غایت مشکل است. همچنین اطلاعات ما در مورد عقاید و تفکرات یهود در دوران پس از کتاب مقدس که می‌توان فرض کرد دیدگاه فیلون را حداقل تا حدی و شاید به نحوی تعیین کننده شکل داشته باشند، ناکافی است. به هر حال، به نظر می‌رسد فیلون با تورات شفاهی (۲) آشنایی داشته است که در زمان او و عمدتاً به وسیله "فریسی ها" فلسطینی رشد کرد و بعد ها در میشناه و دیگر آثار متعلق به نوشته های تلمودی به شکل مکتوب ثبت شد. او همچنین از "اسن ها" که بسیاری از آنها را تمجید کرده است آگاهی داشت. حتماً فیلون برخی عقاید کلامی فرقه دانش اخلاقی

۸- سلیمانی، عبدالرحیم، کتب ابوکریفایی عهد قدیم، مجله هفت آسمان شماره ۱۳۷۹، ۵ ش.
۹- عقیلی، علیرضا، نگرشی تطبیقی به قرآن و انجیل، نشریه پژوهش‌های قرآنی، شماره ۱۳۷۶، ۱۶ ش.
۱۰- فکری، آنطونیوس، تفسیر کتاب مقدس، شبکه الكنيسة، بی تا.

۱۱- کهن، آبراهام، گنجینه تلمود، ترجمه: فریدون گرگانی، ترجمه و تطبیق با متون عبری یهوشوع، اساطیر، تهران: ۱۳۸۲ ش.

۱۲- مصاحب، غلامحسین، دائرة المعارف فارسی، بی نا، تهران: ۱۳۴۵ ش.

۱۳- مک دونالد، ویلیام، تفسیر کتاب مقدس برای ایمانداران، رساله به عبرانیان، بی نا، بی تا.

۱۴- موسوی گرمارودی، سید مرتضی، فرشتگان در آینه قرآن و حدیث و ادیان الهی دیگر، بی نا، ۱۳۸۷ ش.

۱۵- نجیب، آنطونیوس، المعجم اللاهوتی الكتابی، الطبعة الثانية، بیروت: دارالمشرق، بی تا.

۱۶- یوسف القس، صموئیل، المدخل الى العهد القديم، القاهرة: دارالثقافة، ۱۹۹۳ م.

منابع انگلیسی

1-Harold Louis Ginsberg. Michael and Gabriel. Encyclopedia judaica. House Jerusalem. Ltd Israel. 1966, v2, p.956.

2-Encyclopaedia judaica. v.2. p.952.

۱۰- رجوع کنید به دانشنامه معیار کتاب مقدس، همان.
۱۱- رجوع کنید به دائرة المعارف جودائیکا، ذیل

"Michael and Gabriel"

۱۲- نک به: دایرة المعارف جودائیکا، ذیل " Michael and Gabriel

۱۳- در گنجینه تلمود در ادامه آمده است که این نهر از عرق حیوت (نوعی فرشته آسمانی) در موقع حمل اورنگ جلال الهی، بیرون می‌تراود (برشیت ربا، ۷۸: ۱) فرضیه فوق مورد تردید و اعتراض قرار گرفته و فرضیه‌های دیگری ارائه شده است: از هر سخنی که توسط ذات قدوس متبارک ادا می‌شود، یک فرشته به وجود می‌آید و بنا به نظر دیگری فرشتگان از همان عناصری که آسمانها را تشکیل داده اند به وجود آمده اند.

منابع

۱- آل اسحاق خوئینی، علی، آشنایی با مکتب وحی: مسیحیت، قم: بی نا، ۱۳۶۴ ش.

۲- ابن میمون الاندلسی، موسی، دلالة الحائرین، تحقیق حسین اتای، القاهرة: مكتبة الثقافة، ۲۰۰۶ م.

۳- الدر، جان، باستان شناسی کتاب مقدس، ترجمه سهیل آذری، تهران: نورجهان، ۱۳۷۵ ش.

۴- الغفالی، بولس، المدخل الى كتاب المقدس، بیروت: منشورات المكتبة البولسية، بی تا.

۵- بطرس، عبدالملک، قاموس الكتاب المقدس، القاهرة: دارالثقافة، بی تا.

۶- حبیب، سعید، المدخل الى الكتاب المقدس، القاهرة: دارالتألیف و النشر الاسقفیة، بی تا،

۷- سلیمانی، عبدالرحیم، کتاب مقدس، قم: انجمن معارف اسلامی، بهار ۱۳۷۸ ش.